

با تمام توان خود از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی دفاع میکنیم



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سه شنبه ۱۷ تیر ۱۳۵۹

۸ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۶۶

چرا توده‌ها از راهپیمایی روز جمعه استقبال نکردند

در روزهای اخیر مملات گسترده هیئت حاکمه علیه نیروهای انقلابی و تلاش دریا نحراف کشتا بستن مبارزه مدا میریالیستی دمکراتیک بوده هائی مردم ایجاد تازیه ای با فتنه هیئت حاکمه که از حل بحران اقتصادی و سیاسی موجوده جزمانده است و هر روز شاهد ناظر رشد روزافزون نارضا فئی توده ها و نیرومندتر شدن سازمانهای انقلابیست تلاشهای گسترده ای را علیه نیروهای انقلابی آغاز کرده است و می کوشد تا آنها را مسئول وضعیت نابسامان زندگی توده ها معرفی کند . بقیه در صفحه ۲

پاکسازی عناصر وابسته به رژیم گذشته یا تصفیه نیروهای انقلابی

و خامت بحران سیاسی و اقتصادی و ناتوانی دولت در رفع آن از یک سو و رشد جنبش توده‌ای ، گسترش سازمانهای انقلابی و مبارزات سوسی دیگر ، حاکمیت را به تشدید هجوم علیه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها برانگیخته است . اینک در ادامه چنین خط سیری ، هیات حاکمه ، تحت پوشش سیاست بظواهر انقلابی " پاکسازی ادارات " ، بیش و پیش از آنکه عوامل مزدور امپریالیسم و عناصر وابسته به رژیم گذشته " راهد ف حملات خود قرار داده باشد ، کارمندان جزء و انقلابی و سازمانهای دموکراتیک توده‌ها یعنی شوراهای واقعی آنان را آماج اصلی تهاجم خود قرار داده است . نگاهی به واقعات عینی و آنچه که در ادارات تحت عنوان " پاکسازی " می گذرد ، صحت این گفته را اثبوت می رساند . حاکمیت کنونی ، که با قیام توده‌ای و سرنگونی رژیم سلطنت ، دستگاه پوسیده دولتی آن یعنی وزارتخانه‌ها و ارتش را تصرف نموده ، در طول حیات خود همواره سعی کرده است با اصلاحات کمتری به تجدید سازمان و ترمیم همان دستگاه کهنه دولتی بپردازد . این حکومت اکنون که رشد آگاهی توده‌ها و سمت گیری روز افزون آنان بسوی سازمانهای انقلابی و دموکرات را می بیند ، تلاشهای خود را در همه زمینه‌ها ، یکی بعد از دیگری ، برای جلوگیری از ادامه چنین روندی بکار میبرد . بنابراین مضمون و مشخصه اصلی این سیاست عبارت از آنست که با وعده وعیدها و انجام اصلاحات جزئی ، توده‌ها را فریب داده و با تبلیغات سراپا دروغ ، و مغشوش نمودن افهان عمومی به سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی دست یازد . کشتن دانشجویان انقلابی ، تحت عنوان آغاز " انقلاب فرهنگی " در دانشگاهها با همین هدف صورت گرفت . سیاست " پاکسازی ادارات " ، در حقیقت ادامه سیاست " انقلاب فرهنگی " ! در دانشگاهها و مراکز آموزشی کشوری باشد . اگر در آنجا این سیاست اغواگرانه از طریق توسل به قهر ضد انقلابی و سرکوب خونین جنبش دانشجویان انقلابی به اجرا درآید ، بقیه در صفحه ۲

با شیوه‌های قرون وسطائی ، نمیتوان نارسائی‌های اجتماعی را از بین برد!

● پنجشنبه گذشته ، در کرمان به حکم دادگاه انقلاب اسلامی این شهر ۲ نفر

صفحه ۸

بجرم فحشا و فساد اخلاقی " سنگسار " شدند!

در این شماره:

سازمانهای انقلابی توده‌ای (۱) صفحه ۳

قطعه نامه پزشکان حین تخصص تهران در اعتراض به اعدام دکتر نوبیسا صفحه ۴

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۲) صفحه ۵

شمیران نوجلوه‌ای از فقر و محرومیت صفحه ۷

انحلال آموزش و پرورش کردستان

● مدارس کردستان با توجه به نقش پر اهمیت معلمین و محصلین رزمنده و مبارز یکی از پایگاههای مبارزه و مقاومت خلق کرد محسوب میگردد. صفحه ۸

ومبارزات خلق کرد

"پیشداوری" های ما یا "تسلیم طلبی" های شما؟

در پاسخ به مقاله مندرج در شماره ۶۳ ارگان سراسری کمیته مرکزی

تابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکائی و پایگاه داخلی

پاکسازی عناصر ..

بقیه از صفحه ۱

در اینجا با استفاده از وضعیت حاکم بر ادارات و از طریق تصفیه ، اخراج و بازنشسته کردن کارمندان انقلابی صورت می پذیرد . توده ها و بخصوص کارمندان جزء و مبارز فراموش نمی کنند که "سورای انقلاب" در همین چند ماه پیش و بدنبال صدور حکم عفو عمومی زندانیان "وابسته به رژیم گذشته" که اکثریت وسیعی از مزدوران رژیم شاه را در بر می گرفت ، در مصوبه های بازگرداندن و ایفاء این عوامل را در پستهای اداری شان تضمین نمود ، و در مقابل با اخراج و حتی بازداشت کارمندان مبارز ، که به افشاکاری از هیات حاکمه و مقابله با اقدامات ضد انقلابی مدیران کل می پرداختند ، دست زد . محتوای عمده سیاست "پاکسازی ادارات" در دستگاه دولت ، نه در واقع آنطور که هیات حاکمه مدعی است ، پاکسازی عناصر وابسته به رژیم گذشته و از بین بردن "کاغذبازی اداری" و ضوابط و آیین نامه های دست و پاگیر و "فساد" ، بلکه ، جلوگیری از رشد جنبش اعتراضی کارمندان جزء ، سد کردن راه گسترش آگاهی سیاسی و طرح مطالبات دموکراتیک آنان و از بین بردن زمینه های ارتباطی شان با سازمانهای انقلابی و مبارز است . این نوع پاکسازی بیشتر منوجه کارمندان جزء و انقلابی است ، تا وابستگان به رژیم گذشته . بخاطر تحقق این هدف نحوه انتخاب کمیته های پاکسازی برای پیشبرد این سیاست نه بطور دموکراتیک و متکی بر آراء کارمندان جزء و انقلابی بلکه بطور فرمایشی و از بالا صورت می گیرد . بنابراین در اکثر موارد "کمیته های پاکسازی" نه تنها منفع توده های کارمند بلکه علیه آنان اقدام می کنند . بهمین سبب هواداران "فدائیان خلق" و "مجاهدین خلق" و سایر نیروهای مبارز ، در ادارات ، شناسائی شده و زیر فشار شدیدی قرار داشته و اخراج و تصفیه میشوند .

سیاست قطبهای اصلی هیات حاکمه یعنی لیبرالها بر هبیری بنی صدر و اردو دسته سران حزب جمهوری اسلامی ، در این زمینه نیز ماهیت یکسانی برخوردار است . هر دو جریان هدف واحدی را دنبال می کنند : فریب توده ها از طریق انجام اصلاحات جزئی و دادن امتیازات ناچیز و سرکوب نیروهای انقلابی و جنبش اعتراضی توده ها . آنان بر سر این اصل "میثاق وحدت" بسته اند . اما در عین حال بر سر شیوه ها و تاکتیکهایی که این سیاست را عملی میکند ، اختلافات فراوانی در بین این دو جناح بروز می کند . تجربه یکسال و نیم گذشته و بررسی اختلافات آنان بر سر حل مسائل سیاسی گوناگون ، موید صحت این نظریه است .

به اعتقاد ما ، تعمیم و گسترش سرکوب نیروهای انقلابی در محدوده کنونی باقی نمی ماند ، این سیاست در ادامه خود به گسترش هر چه بیشتر و متمرکز تر در تمامی شئون اجتماعی منجر خواهد شد . آری حکومتی که بر پیشینیانی آگاهانه توده ها متکی نبوده ، حکومتی که بر هبیری لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی بر علیه توده ها دست به فریب و سرکوب می زند ، سیاستی جز این هم نمی تواند داشته باشد .

تحت چنین شرایطی وظیفه نیروهای انقلابی ، مبارز و مترقی و بویژه کارمندان آگاه است که سیاستهای هیات حاکمه را در باره "پاکسازی ادارات" و "بازنشسته کردن کارمندان اضافی" افشاکند ، آنها و بویژه نیروهای هوادار جنبش کمونیستی ایران باید توده ها بطور اعم و کارمندان ناآگاه ادارات بطور اخص نشان دهند که هدف اصلی این سیاست چیزی جز اخراج و تصفیه نیروها و عناصر انقلابی و مترقی ادارات نیست . توده ها باید بدانند که نابودی بوروکراسی و کاغذبازی اداری ، رشوه خواری و بطور کلی فساد اداری ، بدون درهم شکستن کل دستگاه دولتی (ارتش و ادارات) ممکن نیست . بدون درهم شکستن ماشین کهنه دولتی ، دگرگونی اساسی در دستگاه دولتی ایجاد نمی گردد . قدرتهای اصلی حاکم یعنی لیبرالها بر هبیری رئیس جمهور و سران حزب جمهوری اسلامی نیز بنا به ماهیت طبقاتی خود نه تنها خواهان دگرگونی اساسی در آن نیستند بلکه خود به تحکیم بیش از پیش آن می پردازند . آنها تنها در شرایط بحران سیاسی و اوج گیری جنبش توده های حاضر به پذیرش برخی اصلاحات ناچیزی باشند .

گسترش موج نهج علیه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها از یکسو گسترش اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها از سوی میسازد ولی از سوی دیگر ضعف و پراکندگی

چرا توده ها از راهپیمائی ...

بقیه از صفحه ۱

کنندگان قطعنامه ۱۴ ماده ای حتی یک ماده علیه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا را در قطعنامه خود نگنجانده بودند ، ولی در عوض همه جا به نیروهای انقلابی حمله شده بود . پاسخ ایمن بسیار روشن است . تنظیم کنندگان قطعنامه از منافع سرمایه داران دفاع می کنند و حمله آنها به نیروهای انقلابی از موضع دفاع از سرمایه داران است .

حزب جمهوری اسلامی که عوام فریبانه میگوید خود را ضد امپریالیست معرفی کند با تنظیم این قطعنامه مشت خود را با ز کرد و ما هیت بورژوازی و ضد انقلابی خود را نشان داد . قطعنامه روز جمعه علیه نیروهای انقلابی سند محکومیت هیئت حاکمه بود .

آنچه در کنار این تلاشهای ضد انقلابی سران جمهوری اسلامی و دیگر جناحهای حاکم توجه نیروهای انقلابی را به خود معطوف کرد ، شرکت حزب توده در راهپیمائی برای محکوم نمودن نیروهای انقلابی بود . حزب توده که با افتخار در این راهپیمائی شرکت کرده بود ، یکبار دیگر دشمنی خود را نسبت به نیروهای انقلابی نشان داد .

حزب توده در اطلاعیه ای که روز قبل از راهپیمائی پخش کرد ، دست به فریبکاری آشکار زد و چنین وانمود کرد که گویا راهپیمائی فردا علیه امپریالیسم و "جرثومه های فساد" وابسته بدان است . حزب توده نیز همانند هیئت حاکمه سعی می کند ، فدائیان خلق و مجاهدین خلق را عوامل فقر ، جنگ سیه روزی و بطور کلی نارضائی عمومی توده ها جلوه دهد .

اما نه عوام فریبی حزب توده و نه تلاشهای مذبحانه هیئت حاکمه علیه سازمانهای انقلابی هیچیک نمی تواند مانع آگاهی توده ها و مبارزه آنها بخاطر تحقق خواسته های بحقشان گردد .

عدم استقبال توده های مردم از ایمن راهپیمائی نشان داد که توده های مردم بیعت تحقق نیافتن خواسته های واقعی شان ، بطور روزافزونی اعتماد خود را نسبت به هیئت حاکمه از دست می دهند . ایمن مسئله نشان داد که توده های مردم نه برای وعده و وعید ، نه برای حرفهای پوچ بلکه بمنظور زندگی بهتر ، نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و بدست آوردن کار ، مسکن و آزادی ، رژیم شاه را سرنگون کردند .

شعارهایی که در دانشگاه تهران علیه نیروهای انقلابی داده میشد و قطعنامه ای که بعوض حمله به امپریالیسم نیروهای انقلابی را هدف قرار داده بود و خواستار غیرقانونی شدن سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق شده بود ، یکبار دیگر ماهیت واقعی گردانندگان ایمن راهپیمائی یعنی سران حزب جمهوری اسلامی را برای توده ها فاش ساخت .

حزب جمهوری اسلامی که تا کنون توطئه هایش علیه سازمانهای انقلابی با شکست روبرو شده است ، یکبار دیگر کوشید برنامه طرح ریزی شده خود را در جهت سرکوب و فشار بر سازمانهای انقلابی بمرحله عمل درآورد . با برگزاری راهپیمائی روز جمعه توده ها بیش از پیش دریا فتند که هدف اصلی هیئت حاکمه نه مبارزه علیه امپریالیسم بلکه مبارزه علیه نیروهای ضد امپریالیست و نه تحقق دموکراسی بلکه نابودی آنست .

براستی هر انسان اندک آگاهی از خود می پرسد ، چرا تنظیم

راهپیمائی روز جمعه ۱۳ تیر ماه ، قبل از هر چیز بمنظور برانگیختن توده های ناآگاه علیه سازمان های مترقی و انقلابی بود . هیئت حاکمه تلاش می کند تا سازمانها و نیروهای انقلابی را مسئول نابسامانی اقتصادی موجود و شرایط زندگی رفت با رتوده ها معرفی کند .

هیئت حاکمه اکنون می کوشد با تبلیغات کثیف و مسموم کننده خود علیه رزمندگان سازمانها و سیاسی که در زیر سلطه سیاه ترین و خست بار ترین دیکتاتوری دست به نبردی دلیرانه و قهرمانانه علیه امپریالیسم ورژیم وابسته بان زدند ، آنها را عوامل وابسته به امپریالیسم و ضد انقلاب معرفی کند ، تا بدین طریق توده های زحمتکش را از مبارزه علیه امپریالیسم و پیایگاه داخلی آن منحرف نموده و بمبارزه علیه نیروهای انقلابی بگنجد .

این سیاست که تنها در خدمت امپریالیسم قرار می گیرد بیش از پیش ماهیت نیروهای حاکم را برای توده ها آشکار می سازد . زیرا توده ها در زندگی روزمره و تجربه شخصی خود پی می برند که کدام نیروها واقعا "فدا امپریالیست" و علیه سرمایه داران و زمینداران هستند و کدام نیروها با توسل به شعارهای توخالی عملاً در جهت تحکیم سلطه بورژوازی وابسته گام بر میدارند .

عدم استقبال توده ها از دعوت به راهپیمائی روز جمعه گذشته و تعداد قلیل شرکت کنندگان در آن و مضمون قطعنامه ای که در پایان ایمن راهپیمائی در دانشگاه تهران قرائت شد ، بسیاری از واقعیتها را برملا کرد .

این نیروها خطر قدرت گیری نیروهای لیبرال و نیز باندهای مزدور امپریالیسم را در بردارد . وظیفه تمامی نیروهای انقلابی است که با هوشیاری ضمن مبارزه و مقاومت علیه سیاستهای هیات حاکمه ، ماهیت باندهای مزدوری نظیر باند بختیار ، اویسی را بر ملا کرده و حیل گیری لیبرالها و ماهیت بورژوازی و ضد انقلابی ، و آزادی خواهی فلابی آنان را بطور قاطع و روشن افشاء نمایند .



اخبار کارگری

اتحاد عمل

حزب جمهوری و بنی صدر بر علیه شوراها

این روزها درگیری بین نمایندگان آگاه و پیشرو کارخانه‌ها با مدیریت کارخانه و نیز گردانندگان انجمنهای اسلامی که زائده‌های حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات است بشدت جریان دارد. نمونه‌های متعدد حاکی از آنها جسم وسیع، همه‌جانبه و چشمگیر جناح‌های مختلف حاکمیت، (هرکدام بشیوه خود) به این نمایندگان است. روش جناح بنی صدر عمدتاً با آنها جسم از طریق مدیران منتصب وزارت صنایع و معادن است و روش حزب جمهوری اسلامی استفاده از زوائد خود در کارخانجات است. این زوائد که با نسام انجمنها و کارخانه‌های اسلامی فعالیت میکنند با وارد آوردن آنها مات بی اساس و پاپوش‌سازي آنها هم علیه نمایندگان بشور و سازمان میدهند. رزبیریه چند نمونه - شاره میشود:

جامکو

بدنبال کشمکش‌هایی که بین مدیریت و نماینده مبارز شورای بن کارخانه در مورد پاکسازی بوجود می‌آید، مدیریت موفق میشود رئیس شورا را زیر نفوذ خود درآورد. نمایندگان سبازباز برررسی پرونده‌های مدیران دولتی و طرح آن در شورا موفق شده بودند چند نفر از وابستگان نیامی (ما حب سابق کارخانه وسها مدار ملی ایران ناسیونال) را اخراج کنند (۱۰/۴/۵۹) وابستگان خیامی با تفاق شیس شورا بوزارت صنایع معادن مراجعه میکنند علیه نمایندگان به پرونده سازی می‌پردازند آنها را متهم میکنند که رکار تولید اخلال میکنند برای تعطیل کارخانه موطئه چینی مینمایند. ستاندکاران وزارت صنایع و معادن پس از تکمیل پرونده علاوه بر هویب اخراج یکی از این نمایندگان حکم جلب او نیز صادر میکنند.

نماینده با اطلاع از توطئه مدیران و وزارت صنایع و معادن راه مقابله را در آنگاه تکیه کرده کارگران دانسته و میکوشد با برگزاری جلسه مجمع عمومی و طرح مساله برای کارگران، توطئه را خنثی کند.

ارج

در پی نطق آیت الله خمینی جناح مرتجع و ضدکارگر شورای این کارخانه میکوشد تا انجمن اسلامی در کارخانه تشکیل بدهد و از این طریق جناح نسبتاً مترقی شورا را بیش از این زیر فشار قرار دهد. قابل توجه آنکه طرفداران حزب جمهوری اسلامی قبلاً در این کوشیده بودند در این کارخانه، انجمن را برپا کنند اما موفق نشده بودند.

ناسیسات تهران (شاه پسند سابق) و پاکسان

در اثر فشار کارگران برای برگزاری انتخابات شورا و علی‌رغم تلاش نمایندگان شورای قبلی (که در انجمن اسلامی متشکل هستند) که می‌خواستند برای همان شورای قبلی رای اعتماد بگیرند، شورای کارخانه اعلامیه‌ای صادر کرد و روز چهارم تیرماه را روز برگزاری انتخابات - شورا اعلام نمود. در این روز موراداری کارخانه اعلام نمود که سرویسهای ساعت ۲ کارخانه حرکت نخواهند کرد تا کارگران بتوانند در انتخابات شرکت کنند. ساعت دو ۳۰ نفر از کارگران ناسیسات در دستورالعمل جمع شدند تا در انتخابات شرکت نمایند. لیکن عده‌ای از کارگران ناآگاه شرکت پاکسان که به احتمال زیاد قبلاً به وسیله "باند عقرب" (گروه فشاری که در انجمن اسلامی کارخانه تشکیل یافته است) تحریک شده بودند، با دادن شعار علیه گروههای انقلابی و مترقی سرویس‌ها را به

سازمانهای انقلابی توده‌ای (۱)

ایدئولوژی یا سیاست؟

آن دیگری نمیشود. آن درک انحرافی که گفتیم، آن جا بروز میکند که سازمان سیاسی سعی نکند سیاست خود را از طریق اعضا و هواداران خود (یعنی هسته‌های سرخ) در آن سندیکا پیش ببرد و عملاً "رهبری سندیکار" بدست بگیرد، بلکه سعی کند با اتکا به نام و سابقه و یا حیثیت خود رهبری سندیکار را "قبضه" کند و درست در همین جا است که دیگر آن سازمان، سازمان توده‌ها و سازمانی "وسیع" متشکل از همه عناصر و افراد یک قشر یا حرفه نمی‌شود و عملاً "بصورت سازمان روشنفکران، و بهتراست بگوئیم محفلاً محدود پیشروان درمی‌آید.

در حال حاضر در جنبش کارگری ایران از این نمونه‌ها بسیار است. پرولتاریای جهانی هم مدتهاست این مسائل را تجربه کرده‌است و ولین آموزش کارگران در این مورد گفته‌است:

"این بهیچوجه بی‌فایده نیست که خواستار آن شویم که اعضای اتحادیه‌های "صنفي" فقط سوسیال دمکرات باشند این امر دایره نفوذ و تاثیر ما را در توده محدود خواهد ساخت بگذار هر کارگری که به لزوم اتحاد برای مبارزه علیه کارفرمایان و حکومت پی می‌برد در اتحادیه صنفي شرکت نماید... اگر اتحادیه‌های صنفي همه‌کسانی را که فهم آنها ولو فقط تا این درجه ابتدائی رسیده باشد، متحد نمیساختند، اگر این اتحادیه‌های صنفي سازمانهای وسیع نبودند، آنوقت خود هدف اتحادیه‌های صنفي هم غیر قابل حصول میشد. هر قدر که این سازمان‌ها وسیع‌تر باشند، همانقدر نفوذ و تاثیر ما نیز در آنها وسیع‌تر میگردد."

مدتهاست که جنبش کمونیستی ایران از انحرافی جدی و اساسی رنج می‌برد. این انحراف از سازمان انقلابی توده‌ی برداشتی نادرست دارد و آنرا همان سازمان هوادار یک سازمان سیاسی مشخص می‌شناسد. این انحراف ریشه در فعال بودن خرده‌بورژوازی - بخصوص روشنفکران - بیش از اقلیت و طبقات دیگر جامعه دارد. این انحراف در حقیقت همان کم بهادادن بتوده‌هاست، که خود را در لاف‌ها سازمان توده‌ی پوشانیده‌است، زیرا آنها معدودی از افراد حرفه‌ی حرفه متشکل شده در یک سازمان توده‌ی مربوط به خود، دارای آن میزان آگاهی هستند که بتوانند هوادار یک جریان سیاسی باشند معدودی از این افراد نمیتوانند (با توجه بکلیه شرایط) درک علمی و طبقاتی داشته باشند اما اکثریت افراد آن قشر یا حرفه برای تامین منافع صنفی - سیاسی خود در یک سازمان توده‌ی گرد می‌آیند.

اگر بخواهیم مسئله را دقیقتر گفته باشیم بایستی اضافه کنیم که سازمانهای توده‌ی دارای ایدئولوژی نیستند بلکه برنامه‌ی خاصی (اساسنامه یا منشور) دارند که همه (توجه کنید همه) اعضا برای پذیرند و سازمان برای اجرا در آوردن آن فعالیت می‌کند. بعنوان مثال "سندیکای فلزکاران"، "راد نظر بگیرید. در این سازمان توده‌ی کلیه فلزکاران (جوشکار، تراشکار، سوهان‌کار، ریخته‌گرو غیره) دور هم جمع میشوند تا مثلاً "منافع اقتصادی و رفاهی و غیره خود را که در اساسنامه سندیکا گنجانیده شده است، تامین کنند. مسلماً چنین سندیکائی میکوشد همه فلزکاران را در خود جمع کند و بهیچوجه فقط شامل طرفداران این سازمان سیاسی

اعلامیه زیرا از طرف کارگران کارخانه "ساکا" (نساجی)، در دفاع از نماینده محبوب و مبارزشان که با توطئه دستگیر شده است پخش گردیده است



بسمه تعالی

از مبارزات حق طلبانه کارگران ساکا حمایت کنید. برادران و خواهران کارگر: مردم مسلمان تهران مدت سه هفته است که از دستگیری برادرمان احمد رضا کریمی حصار نماینده کارگران و دبیر سندیکای ساکا میگردد، در طول این مدت ما کارگران بارها از طریق نامه، طومار و اجتماع در جلوی دادستانی کل انقلاب خواست‌های خود را با اطلاع مقامات رساندیم اما متأسفانه بعد از گذشت چند هفته هنوز هیچ مرجع و مقامی به کار ما رسیدگی نکرده و حتی میخواهند کارخانه را تحت بهانه تعطیل تابستانی بخوابانند. تا اتحاد و مقاومت کارگران را درهم شکسته و کارگران را از راه درستی که در پیش گرفته‌اند بازدارند.

ما کارگران ساکا از برادران کارگر خود و مردم مبارز تهران می‌خواهیم که از خواست‌های برحق کارگران کارخانه ساکا پشتیبانی کنند.

حرکت درآوردند. در نتیجه چون تعداد کارگران به حدی که لازم ترسیدند انتخابات رسمیت نیافت بهمین دلیل طبق اساس نامه شورای کارخانه انتخابات مجدد ۱۵ روز بعد انجام خواهد شد. قابل توجه آنکه در این دور از انتخابات کارگران پیشرو و انقلابی در انتخابات شرکت کردند و کاندیدای نمایندگی شورا شدند.

سمینار بررسی مسئله تبعیض

بدعوت شورای کارخانه جامکو، سمیناری بمنظور بررسی مسائل کارگری در کارخانه لیاند موتورز برگزار شد. از جمله مسائلی که در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت تبعیضات بین کارگران (دستمزدها و غیره) بود. شورا طرحی در رابطه با از بین بردن پایه و گروه و تعیین حق سنوات به جای آن، بمنظور کم کردن شکاف بین دستمزد مسا اراغه دوا زکلیسه کارگران شرکت کننده خواست که نظرات خود را در این مورد ارائه دهند تا بتوانند طرحی کلی تهیه کنند.

کفش ملی

گردانندگان انجمن اسلامی یکی از کارخانجات کفش، علی‌رغم تضادها و درگیری‌هایش با مدیریت کارخانه با آن نزدیک شده‌است و مشترکاً میکوشند مرتفع‌تر و پاکسازی عناصر رژیم سابق را (که مورد تقاضای توده کارگران است) به تصفیه عناصر مترقی و انقلابی تبدیل کنند. در این رابطه است که انجمن اسلامی اعلامیه‌ای با محتوای شتابانسی گروههای ضد انقلابی جلوگیری از پیش اعلامیه

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزات کارگران موقتا...

بقیه از صفحه ۶

های نیتینگ، کلاچ، ایران دو چرخ، کنسورسای، شیشه قزوین، نا زنج در شهر قزوین و مبارزات کارگران زامیانه بیل، لندور، جنرال موتورز، میسودرتهران، فولادهاوز و.....

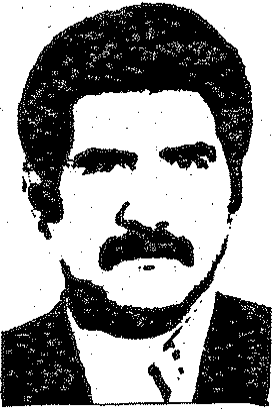
مقامات قهرمانانه خلق کردون توانی دولت درسکوب آن و بیرواولین نشانه های شکست، ناتوانی در ادامه تهاجم فاشیستی به حقوق و آزادیهای دمکراتیک، بعزت تشدید تضادهای درون حاکمیت و رشد لیبرال ها، موجب اوج گیری با زهم بیشتر مبارزات کارگران بخصوص در مهرانه گردید. مثلا در کارخانه " ساگسا " که مبارزات کارگران همواره تحت رهبری " سندیکای سرخ کارخانه " ادامه داشت، در این مقطع بصورتی چشمگیر جلوه کرد. بدین ترتیب که کارگران بخاطر دریافت حقوق با هیئت مدیره اعزامی درگیر شدند و خواستار اخراج چهار نفر از مدیران کارخانه شدند. سپاه پاسداران و کمیته جی هاوارد کارخانه شده، نماینده محبوب کارگران را دستگیر کردند کارگران خشمگین از این اقدام کمیته جی ها همراه خانواده شان در همانجا متحصن شدند و با فشاری نما بنده خود را از کمیته تحویل گرفته و او را تا کارخانه بر روی دست حمل کردند.

نمونه دیگر آنکه در کارخانه مینوکه چند صاچی خسروشاهی در آن به تاخت و تاز پرداخته بود، مجددا شورا به پشتیبانیه حمایت توده های فعال شد و با شعار " هیئت مدیره زیر نظر شورا شورا تحت نظر کارگران عملا رودروی هیئت مدیره منتخوب و دولت ایستاد. با آینه هم نکته ای که نباید آنرا از نظر دور داشت این است که هنوز اکثریت بالای کارگران ذهنیت پرولتری ندارند و تحت تاثیر شعار رهساز و رهنمودهای نمایندگان خرده بورژوازی سازش کرده قرار دارند.

آنچه مسلم است این است که قیام حتی خواستهای ابتدائی و اقتصادی کارگران راهم بر آورده نساخته است و اگرچه کارگران هنوز چندان بدان آگاهسی نیافته اند اما غریزه طبقاتی آنها را بیدار نمیکشد که رودروی حاکمیت سیاسی بایستند منتها آنجا که هنوز

قطعنامه پزشکان (حین تخصص) تهران

در اعتراض به اعدام دکتر "نریمسا"



- همکاران فدائی شهید، دکتر اسماعیل نریمسا خواهان معرفی و محاکمه و مجازات مسبین این جنایت هستند
- پزشکان حین تخصص در قطعنامه خود گفته اند حاضریم مدارک و دلایل بیگناهی دکتر نریمسا را به پیشگاه ملت ایران ارائه کنیم

- ۱- محاکمه مخفی و اعدام این پزشک فدakar علیرغم خواست اکثر پزشکان حین تخصص ایران مبنی بر محاکمه علنی و امکان حضور مدافع و ارائه مدارک لازم، از نظر ما شدیداً " محکوم است .
- ۲- ما خواهان معرفی و محاکمه مجازات مسبین منقضی این توطئه و جنایت فجیع در پیشگاه ملت ایران می باشیم .
- ۳- ما خواستار ارائه پرونده دکتر اسماعیل نریمسا به وکیل منتخب پزشکان حین تخصص و بررسی مجدد آن هستیم .
- ۴- ما حاضر به ارائه مدارک موجود در بیگناهی دکتر اسماعیل نریمسا به رسانه های گروهی جهت آگاهی ملت شریف ایران می باشیم .
- ۵- به پاس احترام به بیماران دردمند و مستضعفی که دکتر نریمسا نیز جان خود را در راه خدمت به آنان فدا کرده و احترام به حرفه مقدس پزشکی فعلا از اعتصاب نامحدود خودداری کرده با قلبی آکنده از اندوه به کار خود ادامه میدهم .
- ۶- بعنوان اعتراض شدید و ابراز تنفر از این جنایت در هفتمین شب شهادت.....ش در روز چهارشنبه ۵۹/۴/۱۱ دست از کار کشیده و فقط به مداوای بیماران اورژانس خواهیم پرداخت .
- ۷- باردیگر ملت شریف ایران را به قضاوت میخوانیم و پشتیبانی آنها را جهت افشای عاملین این جنایت هولناک خواهیم .
- ۸- در خاتمه اعلام میداریم که در صورت عدم رسیدگی به خواستهای فوق مسئولیت عواقب بعدی بر عهده مقامات مملکتی خواهد بود .

دستیاران (پزشکان حین تخصص) بیمارستانهای آموزشی تهران

۱۳۵۹/۴/۸

بدینال اعدام دکتر " اسمعیل نریمسا " موج اعتراض آمیزی که با دستگیری او بین پزشکان و پرستاران ایجاد شده بود بالا گرفت . پزشکان حین تخصص بیمارستانهای تهران، با دستگیری دکتر نریمسا برای او وکیل تعیین کرده و در صد ارائه مدارکی مبنی بر بیگناهی او به دادگاه بودند، آنها همچنین خواستار آن بودند که دکتر نریمسا در دادگاه علنی محاکمه شود ولی قبل از اینکه این اقدامات به نتیجه ای برسد خبر اعدام پزشک مزبور اعلام شد .

صبح روز یکشنبه هشتم تیرماه پزشکان حین تخصص بیمارستانهای تهران در اعتراض به اعدام این پزشک جلسهای در بیمارستان کودکان مفید تشکیل دادند . در این جلسه با احترام دکتر نریمسا یک دقیقه سکوت اعلام شد و بعد درباره زندگی مبارزاتی و مبارزات ضد رژیم شاهنشاهی او به اختصار صحبت شد ، قسمتی از مدارک کتبی و شهادت شهود عینی، مکتبی بیگناهی پزشک شهید نیز در این جلسه ارائه شد .

شرکت کنندگان در این جلسه در پایان قطعنامه ای را به تصویب رساندند که متن آن را در زیر میخوانید :

در مدت دو ماه بازداشت غیرقانونی دکتر نریمسا با کلیه مقامات مسئول مملکتی تماس گرفته شد و مدارک موجود به مشاور قضائی رئیس جمهور تسلیم شد با وجودیکه از طریق دفتر ریاست جمهوری از دادستان انقلاب اهواز جهت تسلیم مدارک کتبی وقت گرفته شده بود که در تاریخ ۵۹/۴/۸ نمایندگان کانون دستیاران تهران در اهواز باشند متاسفانه روز جمعه ۵۹/۴/۶ - دکتر اسماعیل نریمسا این پزشک مردمی به جوخه اعدام سپرده شد ما پزشکان حین تخصص بیمارستانهای آموزشی تهران ضمن ابراز انزجار و اعتراض به اعدام غیر انسانی این پزشک خدمتگذار به پیشگاه ملت مبارز ایران و جامعه پزشکان کشور و خانواده آن شهید تسلیم عرض نموده و اعلام میداریم :

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۵۳۰	۸۱۱۱
ب	۱۰۶۵۹	۳۶۱۱
پ	۵۲۶۴	۲۳۳۲
ج	۱۳۶۱	۲۰۳۲۲
د	۲۱۰۰	۳۲۲۰
هـ	۵۸۴	۱۷۸۱
و	۱۰۳۹۱	۱۲۵۱
ز	۵۲۲	۲۰۳۱۱
ح	۲۴۶۰	۱۰۰۰۱
ط	۵۲۲	
ی	۵۰۲۶	
ک	۵۱۲۳	
ل	۱۵۶۵۲	
م	۱۲۵۱	
ن	۲۰۳۱۱	
س	۱۰۰۰۱	
ش	۵۴۵۶	
ت	۲۱۰۰	
ث	۳۲۲۰	
ج	۵۸۴	
د	۱۷۸۱	
ذ	۱۰۳۹۱	
ر	۱۲۵۱	
ز	۲۰۳۱۱	
ح	۱۰۰۰۱	
ط	۵۴۵۶	
ی	۲۴۶۰	
ک	۵۲۲	
ل	۵۰۲۶	
م	۵۱۲۳	
ن	۱۵۶۵۲	
س	۱۲۵۱	
ش	۲۰۳۱۱	
ت	۱۰۰۰۱	

نبرد خلق
ارگنان

تئوریک-سیاسی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
منشر میشود

سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۴)

مبارزات کارگران موقتاً افت می کند

مبارزه جویسی کارگران در جهت تحقق این شعار، که در آن مقطع (تا اواخر بهار ۵۸) و بعثت تسلط ذهنیت برده بورژوازی و اعتماد ناآگاهانه به حاکمیت عمدتاً "بشکل تحصن بویه آن چنان ابعاد گسترده و وسیعی داشت که رهبری انقلاب و دولت منتخب او را واداشت که چپ و راست به معترضین و متخصصین و اعتصاب کنندگان هشدار بدهد که دست از این اعمال "فدائیلایی" (۱) بردارند و براه انقلاب اسلامی باز گردند اما پس از آنکه این تلاش های دولت و بهره برداری از ذهنیت کارگران برای تحمیل و آرام سازی آنان و ترغیب ایشان به عدم تعقیب ابتدائی ترین خواسته های خود، ناموفق ماند، دولت عقب نشست و راه دیگر را در پیش گرفت و تن به فرم پیشنهادی فروهر وزیر کار داد و علیرغم "مساوات طلبی" توده کارگران که برابری حقوق پایه را با کارمندان می طلبیدند، پایه حقوقی را از ۲۱۷ ریال به ۵۶۷ ریال بالا برد (در حالیکه حداقل حقوق کارمندان ۲۵۰۰۰ ریال تعیین شد). خواست سیاسی اکثریت کارگران تصفیه و پاک سازی واحدها از مزدوران و سرسپردگان رژیم سابق بود، آنها اجرای این خواست را مرتباً "مکرراً" از حاکمیت سیاسی میخواستند.

عدم اجرای این خواست، همراه با دیگر خواسته های طبقه کارگر در آن فضای بحران زده با حاکمیت چندپاره سیاسی در بسیاری از واحدها - کارگران را بسوی اقدام مستقیم و اجرای انقلابی خواسته هایشان کشانید و خود را بصورت حمایت از شوراها و تمایل به ایجاد

آن نشان داد، شاید آن حد که نطق آقای بازگان در اسفند ماه ۵۷ توضیح داد: "میخواهند ما صاحب خانه باشند، همه کاره باشند، تکلیف مدیریت کارخانه و همه چیز را معین کنند و یار رئیس اداره را آنها انتخاب کنند و امثالهم" و آقای فروهر وزیر کار دولت منتخب امام در خرداد ۵۸ قانون نیروی ویژه تنظیم روابط کار و امور اجتماعی را بتصویب رسانید تا این نیرو که از "ما بطنین دادگستری" تشکیل خواهد شد امر "ممانعت از دخالت افراطی سازمانهای غیر مسئول در امور کارگاهها و اجرای دستور مقامات صلاحیت دار، در ایجاد نظم و جلوگیری از مداخله کمیته های اعتصاب یا شورا های مدیریت و نظایر آن" را اجرا در آورد (پایه ۲ تصویب نامه).

اما علیرغم همه این تلاش ها (رفسرم و سرکوب و بهره برداری از اعتماد ناآگاهانه توده ها بحاکمیت و مداخله "خمینی" شعار "شوراها" هر روز ابعاد گسترده تری بخود گرفت و امر نظارت و کنترل بر کارخانجات دولتی سابق یا اخیراً دولتی شده و تصفیه و پاک سازی توسط شورای کارکنان هر روز بیشتر و بیشتر میشد. از دیگر خصوصیات آنست که جنبش کارگران در این دوره داشت اوج گیری مبارزات بیکاران در ماه های اول بعد از

قیام بود. تعطیل کارخانجات (بدلیل فرار سرمایه داران، کمبود مواد اولیه، کارشکنی مدیران و عوامل سرسپرده سرمایه داران و غیره) و نیز خوابیدن یا خوابانیدن بسیاری از طرح های عمرانی گذشته و رکودخانه سازی همه و همه موجب آن شده بود که بیکاری، این بیماری مزمن نظام سرمایه داری، ابعاد وسیع و نگران کننده بیابد و کارگران بیکار و دیگر بیکاران زندگی سخت و پرمشقتی را بگذرانند همین امر موجب آن شد که بخش قابل توجهی از حرکات اعتراضی طبقه کارگر در بیرون از کارخانه (راه پیمایی، تظاهرات) تحصن در ادارات دولتی (و غیره) باین بخش از طبقه کارگر اختصاص یابد. خاستگاه طبقاتی عمدتاً خرده بورژوازی و دهقانی شرایط سخت زندگی، نبود تامین مالی و ناامیدی نسبت بآینده، موجب آن شد که این بخش سرعت و در پی تجربیات مکرر مراجع به ادارات و مقامات و حتی رهبران از حاکمیت مایوس شوند و دست بحرکاتی تند که توسط روشنفکران تقویت میشد بزنند.

سرکوب خشن و وحشیانه کارگران بیکار و دیگر بیکاران نیز هوگر نتوانست حرکات اعتراضی آنها را فرو نشاند. خواست اکثر این بیکاران را می توان در شعارهای "ایجاد کار" و "پرداخت حق بیمه

بیکاری" خلاصه کرد. البته با شروع فصل تابستان و پیدایش امکان کار در مزارع و باغات و نیز پرداخت حق بیمه بیکاری بمیزان ۶۵۰۰ ریال در ماه به کارگران بیکار، مبارزات این بخش از کارگران روبه افول رفت. گفتیم که شکل عمده مبارزه در ماه های اول بعد از قیام تحصن بود (۹۰٪ موارد) سستی اضافه کنیم که بمرور و در اثر شکستن اعتماد ناآگاهانه کارگران بدولت و مشاهده عدم پاسخگویی دولت به خواسته های ابتدائیشان علیرغم اطلاع از آنها تا تکنیک تحصن جای خود را بابتداریج به اعتصاب داد بطوریکه از ۲۲ مورد حرکت اعتراضی ثبت شده در خرداد ماه (۵۸) هیجده مورد اعتصاب بوده است. توده های کارگر علاوه بر اعتصاب، عمل مستقیم و اجرای انقلابی تصمیمات و خواسته های خود را در دستور کار قرار دادند و در همین رابطه بود که در اوایل خرداد ماه مطالبه و اجرای انقلابی خواسته های چون ۴۰ - ساعت کار در هفته، در واحدهای تولیدی ابعاد وسیعی یافت، (۱۲ مورد در گیلان، ۶ - ۷ مورد قزوین، چند مورد در تبریز و تهران و غیره ۴۰) بطوریکه شورای انقلاب و ادارات در دریا نژده هم مرداد ماه اعلام کند که ساعات کار به ۴۰ ساعت در هفته کاهش یافته است (بگذریم از اینکه چند روز بعد وزیر کار این

نا توانی حاکمیت سیاسی در بر آوردن انتظارات آنها دست بدست هم داد و به جنبش کارگری ابعادی "نگران کننده" بخشید (۱). در این زمان دهقانان نیز اگر چه دیر اما با سرعت بیدار شدند و بحرکت در آمدند و موج اعتراضی و سطح مطالبات آنها هر روز ابعاد وسیعتری می یافت. دهقانان کر و سرکمن - صحرا متشکل شده در اتحادیه ها و شورا های دهقانی مبارزه علیه زمینداران بزرگ را پیش می بردند. خلق کردسالیان در از برای تامین و تضمین حق تعیین سرنوشت خود و دیگر خلقهای ایران مبارزه کرده بود و بدفعات حتی جنگیده بود. تحقق خواسته های خود را بعد از پیروزی قیام آرزو می کردند آنها در طول چند ماه مبارزه سیاسی در راه رسیدن باین خواست، به تجربه دریافته اند که انتظار تضمین و برسمیت شناختن خود مختاری از حاکمیت سیاسی سازشکار، توهمی بیش نیست. همه راه های ناشونی و مسالمت آمیز جهت مبارزه در راه رسیدن باین خواست تجربه شده بود آخرین آنها شرکت در انتخابات مجلس خبرگان و انتخاب نماینده اول خود از میان مموکرانها بود.

دولت که از یک طرف انتظار چنین پیروزی را نداشت و از طرف دیگر حقی حاکمیت و نیز تسلطه ایدئولوژیک خود را در خطر میدید دست با آخرین حربه خود جهت تثبیت موقعیت خود و مقابله با حاکمیت مردم یعنی قوه قهریه زد و بفرمان آیت الله خمینی جنگ ناخواسته ای بخلق کرد. تحمیل شد بقیه در صفحه ۶

مبارزات کارگران موقتا افت می کند

بقیه از صفحه ۵

داد که رکود برای که میرفت
بر جامعه مس...ی شود
هم زد و از او اس... شهریه
ماه بود که بار دیگر حرکات
اعتراضی و اعتصابی
کارگران چشمگیر و قابل
توجه شد.
ما قبلا "درس مقاله

در آن واحدهائی که بین
سازمانهای سیاسی طبقه
کارگر و کارگران پیوندی
نسبتا محکم بوجود آمده
بود و کارگران پیشرو
توانسته بودند اعتماد
عمیق آنان را جلب کنند
مبارزه کارگران تنها

اسلامی" پیوسته بودند
بر خوردار بود. گروه
دیگری نیز کمک دولت
بودند، متعصبین کوردل
و کینه دهنی که همه چیز
را در پستوی حیره تنگ
و تاریک خود میجستند و
اگر چه مبارزه علیه رژیم
شاه را تا با خردا دامه
داده بودند اما اکنون همه
موانع را رفع شده
می انکاشتند و "سازندگی"
(بخوان باز سازی نظام
قبلی) را وجهه همت خود
قرار داده بودند.

آیت الله خمینی دومین
فترت خود را صادر کرد:
و این خود بهترین توجیه
جهت سرکوب کارگران و
جله گیری از مبارزات آنها
برای احقاق حقوق خود
شد. آب تطهیری شد
که بر سر کوب کارگران
توسط سرمایه داران و
کارفرمایان ریخته شد.
سرمایه داران که بعزت
روحیه بالای کارگران
نتوانسته بودند در این
چند ماه مبارزه جوئی
و حق طلبی آنها را فرو
نشانند و سرکوب کنند

پیوندی (گرچه نه چندان
عمیق و محکم) با کارگران
پیشرو و آگاه برقرار
کنند. این کارگران
توانسته بودند با شرکت
مستقیم در مبارزه توده
کارگران و کارافشاگرانه
در بالا بردن آگاهی
کارگران موثر باشند.
بعلاوه دانشجویان
انقلابی و مبارزی که
قلیشان بخاطر توده ها
می تپید و شور حاصل از
قیام و عشق به توده ها
آنها را به کار خانات
و بمباران کارگران کشانده
بودند نیز توانسته بودند

فتوای آیت الله
خمینی مبتنی بر خطر
افتادن اسلام در پناه و
لزوم نجات آن، مسبب
و محرک یک سلسله اقدامات
ضد دمکراتیک و تهاجم
آشکار به حقوق و آزادیهای
دموکراتیک خلق گردید.
بدین ترتیب که با تبلیغات
وسیع و منظم رادیو و
تلویزیون، جوی هیجان
زده و تحریک شده علیه
نیروهای مترقی و مخصوص
کمونیست ها بوجود آمد.
موتورسواران و چماق
بدستان "حزب اللهی" در
تهران و شهرستان های
تتهاجم به اجتماعات حمله

آنچه مسلم است این است که قیام حتی
خواستهای ابتدائی و اقتصادی کارگران را
هم بر آورده نساخته است و اگر چه کارگران
هنوز چندان بدان آگاهی نیافته اند اما
غریزه طبقاتی آنان را بدانجا میکشاند که
رو در روی حاکمیت سیاسی بایستند...

"کار" شماره ۳۴ (هفتم
مهر ماه ۵۸) تحت عنوان
"اعتصابات کارگری روز
بروزدا منه وسیع تری
می یابد، جنبش کارگری
ایران رو با اعتلاست" گفته
بودیم، "از اوایل شهریور
ماه بعد حرکات خودپوی
کارگری مشخصا "دوباره
رو بگسترش نهاده است.
اکنون این مبارزه در
بسیاری موارد جنبه سیاسی
بخود گرفته است... علاوه
بر این مبارزه کارگران
برای "پاک سازی" و شورا و
نقشان "که یادگار
مبارزات دوران قیام
است با افت و خیزهایی
همچنان ادامه دارد و در
برخی موارد حتی گسترش
یافته است... این
اعتلا همچنان در ماههای
آتی ادامه خواهد یافت"
بایستی اضافه کنیم
که پیش بینی ما در مورد
گسترش مبارزه در ماههای
آتی متکی بر تحلیلهای
عینی بود و واقعیت نیز
صحت آنها را نشان داد.
این مورد میتواند شواهد
زیرا ذکر کرد:

رو با فول نرفت بلکه
صحنه های غرور آفرین
از شکل گیری صف مستقل
پرولتاریا را بنمایش
گذاشت. مصداق کارخانه
صنایع چوب، راه پیمائی
و تحمیل جلودر و شگانه
کارخانه در خیابان دکتر
مصدق همراه با شعارهای
انقلابی کارگران، آنهم
درست در فریاد فتوای
آیت الله خمینی، از جمله
نمونه های است که ما
شاهد آن بوده ایم

اگر سازمانهای سیاسی طی ماههای
بعد از قیام به تجربه دریافته بودند که
آزادیهای دمکراتیک در ایجاد سازمان
سیاسی کارگران چه نقش مهمی دارد، دولت
نیز به تجربه دریافته بود که تداوم چنین
فضای نیمه دمکراتیکی با منافع طبقاتی
انطباق ندارد و هر روز که بگذرد، زمین زیر
پایش بیشتر خالی میشود و پایگاهش را بیشتر
از دست میدهد.

اکنون با فتوای امام، جانی
تازه گرفتند و در محفل
کارشان اظا هر شدند. به
عنوان مثال خسرو شاهی
سرمایه دار معروف و
صاحب کارخانه مینوسر
و کله اش در کارخانه نمیدا
شور و در روی شورای مینو
قرار گرفت و آنرا تهدید
کرد و بسیاری از دستاوردها
شورا را مورد سوال قرار
داد.
اگر چه تا شیر این فتوا
بر توده کارگران نا آگاه
قابل توجه بود و همراه
با سرکوب اوج گیرنده،
افت چشمگیری در همان
روزهای اول در حرکات
کارگران باعث شد ولی

در آن واحدهائی که بین سازمانهای
سیاسی طبقه کارگر و کارگران پیوندی
نسبتا محکم بوجود آمده بود و کارگران
پیشرو توانسته بودند اعتماد آنان را جلب
کنند مبارزه کارگران نه تنها رو به افول
نرفت بلکه صحنه های غرور آفرین از شکل
گیری صف مستقل پرولتاریا را بنمایش
گذاشت:

در این چند ماه در کارخانه
ها جا بیفتند و امر انتقال
آگاهی سوسیال دمکراتیک
را پیش برند.
اگر سازمانهای
سیاسی طی این مدت به
تجربه دریافته بودند که
آزادی های دمکراتیک
در ایجاد سازمان سیاسی
کارگران چه نقش مهمی
دارد، دولت نیز به تجربه
دریافته بود که تداوم
چنین فضای نیمه
دمکراتیکی با منافع
طبقاتی انطباق ندارد
و هر روز که بگذرد، زمین
زیر پایش بیشتر خالی
میشود و پایگاهش را
بیشتر از دست میدهد. بر
این اساس بود که دولت
با تبلیغات سرسام آور
و گبیج کننده، با هزاران
دروغ و نیرنگ توده های
نا آگاه کارگران را بسج
کرد و تهاجم به شوراها
و بالاخص عناصر مترقی و
کمونیست آنها را فوق
العاده شدت یخشید و در
اینکار از کمک سر
سپردگان رژیم سابق
که پس از قیام تغییر
چهره داده و به سازمان
دهندگان "انجمن های

بدها تر سازمانهای سیاسی
و آتش زدن آنها و نیز به هم
ریختن بساط کتابفروشی
ها و پاره کردن و سوزاندن
کتابها و نشریات تفضائی
خفقان بار و وحشت زا به
وجود آوردند.
روشن بود که اعتماد
نا آگاهان به کارگران
نسبت به خمینی و واقعیت
سرکوب بیرحمانه هر
جنبشی بر مبارزات کارگران
تا شورشیدی بگذارد و
موقتا مبارزات آنها
افت پیدا کند. عامل
مثبت و قابل تاکیدیه که
در این زمان (پیش از
شش ماه پس از قیام) در
ارزیابی شرایط میبایستی
مورد توجه قرار گیرد
نقش و اهمیت سازمان
های انقلابی و کمونیستی
بود. این سازمانها و
بخصوص آنها که آشتی
نا پذیریشان در مبارزه
علیه رژیم شاه برای
همه شناخته شده بود،
در پاره ای از واحدها
اعتماد عمیق کارگران را
نسبت بخود جلب کرده
بودند. آنها توانسته
بودند در فضای نیمه
دمکراتیک بعد از قیام

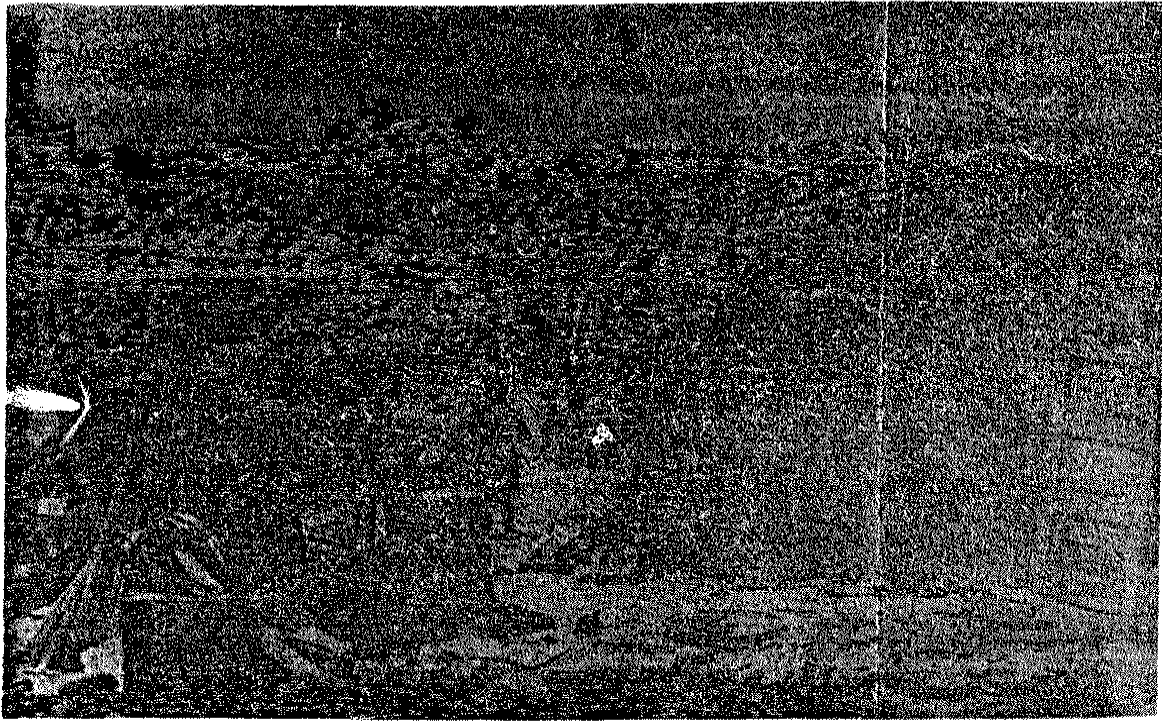
دوران افول و رکود
جنبش کارگری دیگری
نیاشید بحران عمیق
خواست های تا مین نشده
توده های مردم عدم تمایل
و نیز عدم توانائی تامین
آنها از طرف دولت و مهمتر
نا توانی در سرکوب منظم
موجب آن شد که نشانه های
شکست در جنگ کردستان
دوسه هفته پس از تهاجم
بروز کرد و موج فشاگریهای
سازمانهای سیاسی و
بخصوص سازمان ما علی رغم
عقب ماندگی چشمگیر آن
از حوادث - و نیز خود
واقعیت جنگ (قوی تر از
هر عاملی) چنان توده ها و
حتی پاسداران را تا کنان

اکنون با فتوای امام، جانی
تازه گرفتند و در محفل
کارشان اظا هر شدند. به
عنوان مثال خسرو شاهی
سرمایه دار معروف و
صاحب کارخانه مینوسر
و کله اش در کارخانه نمیدا
شور و در روی شورای مینو
قرار گرفت و آنرا تهدید
کرد و بسیاری از دستاوردها
شورا را مورد سوال قرار
داد.
اگر چه تا شیر این فتوا
بر توده کارگران نا آگاه
قابل توجه بود و همراه
با سرکوب اوج گیرنده،
افت چشمگیری در همان
روزهای اول در حرکات
کارگران باعث شد ولی

اکنون با فتوای امام، جانی
تازه گرفتند و در محفل
کارشان اظا هر شدند. به
عنوان مثال خسرو شاهی
سرمایه دار معروف و
صاحب کارخانه مینوسر
و کله اش در کارخانه نمیدا
شور و در روی شورای مینو
قرار گرفت و آنرا تهدید
کرد و بسیاری از دستاوردها
شورا را مورد سوال قرار
داد.
اگر چه تا شیر این فتوا
بر توده کارگران نا آگاه
قابل توجه بود و همراه
با سرکوب اوج گیرنده،
افت چشمگیری در همان
روزهای اول در حرکات
کارگران باعث شد ولی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

شمیران نو جلوه‌های از فقر و محرومیت



یکسال و نیم پس از قیام، هنوز دولت جمهوری اسلامی نتوانسته حتی گامی در جهت بهبود زندگی زحمتکشان، بخصوص حاشیه‌نشینان شهرها بردارد.

ماهیت حاکمیت موجود و وعده سران جمهوری اسلامی می‌برند و دیگری حرفهای آنان چندان دل خوش نمی‌دارند.

آنچه در زیر می‌خوانید، گزارش مختصری است از یکی از محله‌های زحمتکش نشین تهران بنام شمیران نو.

شمیران نو در شمال شرقی تهران قرار دارد. اهالی این محل اغلب زحمتکشانی هستند که برای امرامعاش، از روستاهای خود از خانه‌ورزمین بریده‌اند و به شهرهای آلوده‌اند. هر روز که می‌گذرد بر جمعیت این محل افزوده می‌شود. در خیابان اصلی آن دست‌فروشان، که از ناگزیری و بی‌کاری به این کار مبادرت ورزیده‌اند، بساط پهن کرده‌اند.

به ظاهر محل که نگاه‌کنی فقر و بدبختی چندان نمایان نیست، اما کافی است این پوسته‌های ظاهری را بشکافی و در بطن محله

فروری تافرو و محرومی و مشکلات، در کوچه‌پس‌کوچه‌های پر خاک و خل‌وخانه‌های تنگ چند خانواری روزی مشقت‌بار و دردها و رنج‌های آهالی، مشاهده و لمس شود.

به داخل یکی از خانه‌ها می‌رویم. این خانه بسیار کوچک، دارای دواطاق است که دو خانوار نسبتاً عیال‌وار را در خود جای داده‌اند. اطاقها بسیار دو دو کثافت "مزمین" شده‌اند، و از نعمت آفتاب بی‌نصیب‌اند.

در اطاقی که زیر پلکان قرار دارد بیشتر به انباری شبیه‌است، زن و شوهری با دو بچه، خود در آن زندگی می‌کنند. این زن که سال‌هایی از عمرش را در این محل و این خانه بسر برده، پیرامون محله "شمیران نو" می‌گفت:

"موقعی که ما از دهات مان که نزدیک سراب است برای کار کردن به تهران آمدم، شمیران نو مثل بیابان بود و تک‌توک به خانه در آن ساخته شده بود، نه آب داشتیم و نه برق. مجبور بودیم برای شستن رخت و لباس‌ها

با سبزی شدن هفده ماهه از بیام شکوهمند توده‌های زحمتکش میهن مان، وجود با برجای حلی آب‌ها، رورآب‌ها، زاغه‌نشین‌ها و ظلم آب‌ها، همچنان، فقر و محرومیت بر خاسته از سلطه سرمایه‌داری و ایستارایه‌خشن‌ترین و عریان‌ترین شکل نشان می‌دهند. هنسوز زحمتکشان و کم‌درآمدها دست به گریبان مشکل دیرینه مسکن، اجاره‌نشینی و خانه‌بدوشی - اند، از این بابت رنج می‌برند هر روز هم بر رنجشان افزوده می‌شود. اما، حکومت جمهوری اسلامی در طی این مدت نتوانسته است هیچ‌گام اساسی در جهت ریشه‌کن کردن این مشکل اساسی میلیون‌ها تنوده محروم و مستمیده و حیل بنیادی آن بردارد. دولت جمهوری اسلامی نه تنها حلی آب‌ها را از میان نبرده است و نه تنها مسکن مناسب برای زحمتکشان و کم‌درآمدها فراهم نیآورده است، بلکه با فریبکاری و وعده‌ها و برنامه‌های بر طمطراق، اما تو خالی، مشکل را عمیق‌تر و پیچیده‌تر کرده است، و حتی اقدامهای انقلابی زحمتکشان بی‌خانه و زاعمشین در جهت مصادره انقلابی و تصرف خانه‌ها و آپارتمانهای مالکان و سرمایه‌داران فراری را، با گسیل پاسداروز - به خاک و خون کشیده می‌کشد. و به رغم آنکه سردمداران جمهوری اسلامی، دامن سنگ "کوخ‌نشین‌ها" و مستضعفین "را به سینه می‌زنند اما با صدور فتواها و بنیانه‌های "شدیداللعن" اقدامات انقلابی زحمتکشان را در جهت مصادره انقلابی خانه‌های سرمایه‌داران و زمینداران عطفی ضد انقلابی اعلام می‌کنند و مجازاتهای سنگین نیز برای آنها منظور می‌گردد.

بیمار و شکوهمند توده‌های زحمتکش میهن مان، وجود با برجای حلی آب‌ها، رورآب‌ها، زاغه‌نشین‌ها و ظلم آب‌ها، همچنان، فقر و محرومیت بر خاسته از سلطه سرمایه‌داری و ایستارایه‌خشن‌ترین و عریان‌ترین شکل نشان می‌دهند. هنسوز زحمتکشان و کم‌درآمدها دست به گریبان مشکل دیرینه مسکن، اجاره‌نشینی و خانه‌بدوشی - اند، از این بابت رنج می‌برند هر روز هم بر رنجشان افزوده می‌شود. اما، حکومت جمهوری اسلامی در طی این مدت نتوانسته است هیچ‌گام اساسی در جهت ریشه‌کن کردن این مشکل اساسی میلیون‌ها تنوده محروم و مستمیده و حیل بنیادی آن بردارد. دولت جمهوری اسلامی نه تنها حلی آب‌ها را از میان نبرده است و نه تنها مسکن مناسب برای زحمتکشان و کم‌درآمدها فراهم نیآورده است، بلکه با فریبکاری و وعده‌ها و برنامه‌های بر طمطراق، اما تو خالی، مشکل را عمیق‌تر و پیچیده‌تر کرده است، و حتی اقدامهای انقلابی زحمتکشان بی‌خانه و زاعمشین در جهت مصادره انقلابی و تصرف خانه‌ها و آپارتمانهای مالکان و سرمایه‌داران فراری را، با گسیل پاسداروز - به خاک و خون کشیده می‌کشد. و به رغم آنکه سردمداران جمهوری اسلامی، دامن سنگ "کوخ‌نشین‌ها" و مستضعفین "را به سینه می‌زنند اما با صدور فتواها و بنیانه‌های "شدیداللعن" اقدامات انقلابی زحمتکشان را در جهت مصادره انقلابی خانه‌های سرمایه‌داران و زمینداران عطفی ضد انقلابی اعلام می‌کنند و مجازاتهای سنگین نیز برای آنها منظور می‌گردد.

مشکلات و مسائلی است که زحمتکشان میهنمان با آن دست‌به‌گریبانند و تازه می‌توان گفت این محله در مقایسه با کودها و حلی آب‌ها، از رفاه اندکی مانند داشتن آب و برق - حداقل امکانی که هر شهروندی باید از آن بهره‌مند باشد - برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی که همه جا با بوق و کرنا خود را حامی این مردم معرفی می‌کند و هر روز نوید مسکن و زمین... و غیره میدهد در مقابل اقدام گودنشینان به مصادره انقلابی خانه‌های سرمایه‌داران آنها را به کلوله می‌بندد و پاسدارانشرا در صف گوشت و تایدو... به جان انسان می‌اندازد و خلقهای تحت ستم میهنمان را در کردستان و ترکمن صحرا به خاک و خون می‌کشاند و در مبارزه سرمایه‌داران و کارگران از سرمایه‌داران دفاع میکند چگونه می‌تواند به خواسته‌های زحمتکشان پاسخ دهد و خود را مدافع آنها قلمداد کند؟

و وعده‌ها و وعیدهای با بوق و کرنا، دولت را شنیده بود، و نیز بخوبی دریافته بود که آن همه وعده در باره دادن مسکن مناسب به زحمتکشان بی‌خانه، فقط یک حرف بوده‌است، زیرا که دولت می‌خواهد به ما اجاره نشین‌ها و بی‌خانه‌ها، خانه بدهد، چند وقت پیش بود که قرار شد بهمان خانه بدهند، ولی هنوز که خبری نشده و مثل اینکه قرار هم نیست خبری بشود، چون آگه اینها خانه بده بودند، تا بحال داده بودند، و اینقدر با وعده و وعید ما را سر نمی‌دواندند و منتظر نمی‌گذاشتند، معلوم نیست که کی می‌خواهند، بالاخره برای ما کاری انجام بدهند، و وضع زندگی ما را سر و سامان بگیرد، آخر تا کی باید به این بدبختی و مشقت زندگی کرد.

"شوهرم دست فروشی می‌کند، اما درآمدش به خرج مسکن نمی‌رسد و من مجبور شده‌ام با هزار تومان پیش قسط یک ماشین کاموایی بخرم تا اینکه بتوانم سروته خرج زندگی را هم بیاوریم، ولی الان که چند وقتی است این ماشین را خریده‌ام، هنوز نتوانسته‌ام قسطش را بدهم، چه رسد به اینکه درآمدم داشته باشد، و ناچارم که همین روزها بفروشم". این تجسم رنج و زحمت درباره گرانی می‌گوید: "با این گرانی‌ها که روز بروز هم بیشتر می‌شود نمی‌دونم که چه جوری باید زندگی کرد، من تنها نیستم، توی همین محله‌ها، همه شون زندگی شان عین من است، همه از گرانی و بی‌پولی کله و شکایت دارند، باورنداری، ولی به خدا، بعضی وقتها، بچه‌ها چیزهایی هوس میکنند که نمی‌توانیم برای آنها، بخریم، و مجبورم هزارویک بهانه بیارم تا از سر هوس شان بگذرند." این زن زحمتکش و محروم نیز همچون زحمتکشان دیگر میهنمان

کنار فشار بی‌ها که فاصله زیادی تا اینجا داشت راه برویم. تا بیست و گذشته اینجاوله کشتی شد و یکی دو خیابان یا یک خیابان آنرا اسفالت کردن، در مانگاه و داروخانه و فروشگاه هم ساخته شده بچه‌ها مون تا همین چند سال پیش مدرسه درست و حسابی نداشتند و مجبور بودن به جای نیمکت روی زمین بنشینند و درس بخوانند، حالا هم که مدرسه ساخته شده بسکه شاگرد زیاد و مدرسه کم، بچه‌ها بالا اجبار در سه نوبت در تارکی و سرمای زمستان به مدرسه می‌روند. مدرسه راهنمایی و دبیرستان هم اینجانیست، و بچه‌ها ناچار باید به شرکت واحد که چند کیلومتر با اینجا فاصله داره بروند. این زن زحمتکش که سالها رنج در بدری و مستاجر نشینی در خانه‌های پرت افتاده و تنگ و فرسوده را متحمل شده، در ادامه می‌گوید: "حرفهایش، جدا از مشکل خانه و کمبودهای محله، پیرامون کار و بار شوهر شوگرانی که دل پر هردی از آنها داشت می‌گفت:

استقلال - کار - مسکن - آزادی

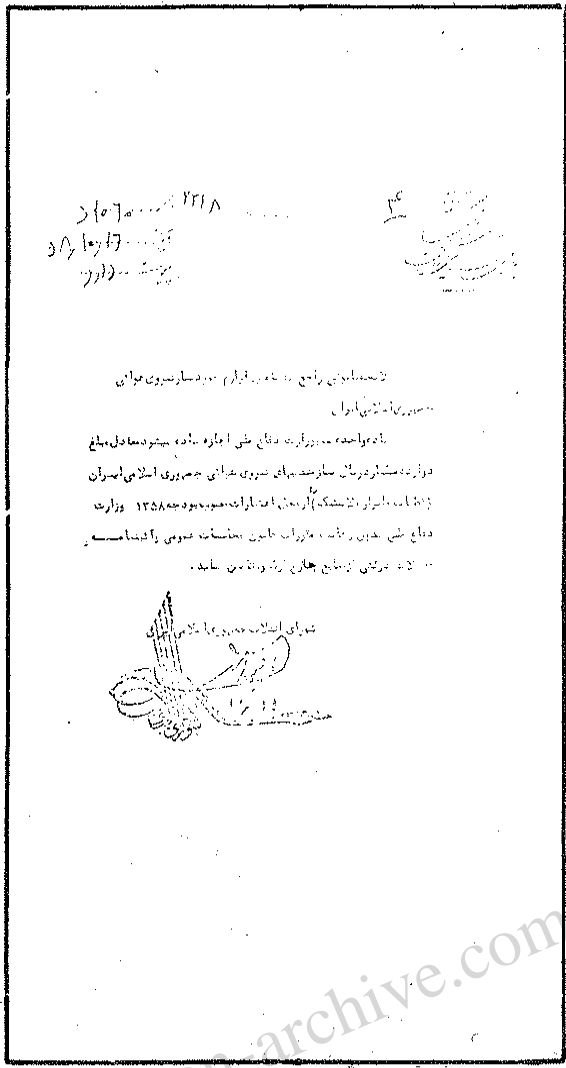
تامین "فوری" تجهیزات ارتش از امپریالیست‌ها

برای چیست؟

در شرایطی که وضع اقتصادی میهنمان هر روز غیر قابل تحمل تر و رنج آورتر میشود، در شرایطی که کمی درآمد و افزایش سرسام آور قیمت ها، بیکاری، فقر و گرسنگی، زحمتکشان را بسته آورده است و دولت نیز هیچ‌گام قاطع و موثری جهت حل این مسائل و مشکلات بر تمب دارد، شورای انقلاب، صدها میلیون تومان بودجه برای خرید لوازم و قطعات مورد نیاز نیروی هوایی ارتش جمهوری اختصاص میدهد.

سندی که مشاهده میکنید نمونه کوچکی است از مبالغ گزافی که دولت و شورای انقلاب خرج تجهیز ارتش و قوای سرکوب میکنند. آیا این تامین "فوری" قطعات و تجهیزات، جز برای مصارف "فوری" مثل سرکوب و کشتار خلق کرد است؟ نکته جالب در این سند اینست که شورای انقلاب برای تامین لوازم و قطعات هواپیما ها و فانتوم های ارتش جمهوری، قید کرده است که وزارت دفاع ملی میتواند هر چه سرعتر و "بدون رعایت مقررات قانون محاسبات عمومی و آئیننامه معاملات دولتی" قطعات و ابزار مورد نیاز را از منابع خارجی تامین کند. آیا این منابع خارجی جز امپریالیست‌ها، منابع دیگری هستند؟

امروز توده‌ها و قتیکه کشتار خلق کرد، یورش به آزادیهای سیاسی و اجتماعی، حمله و تهاجم و تبلیغات سازمان داده شده علیه نیروهای سیاسی مترقی جامعه، ایجاد جو آراب و ناامنی - وضعیت زندگی روزمره خود یعنی گرانی سرسام آور، وضع مسکن، بیکاری و کمی مزد و حقوق را در کنار این سیاستهای حاکمیت میگذارند این سؤال مطرح میشود که آیا واقعا "این دولت و این حاکمیت در صدد تامین رفاه و خواستههای توده‌هاست یا باز هم در صدد تجهیز ارتش و قوای نظامی برای سرکوب هر ندای حق طلبانه و آزادیخواهانه؟! "



باشیوه‌های قرون وسطایی نمیتوان نارسائی‌های اجتماعی را از بین برد

جمهوری اسلامی، اخیرا "بمنظور مبارزه با فحشا و فساد (که ریشه در مناسبات اجتماعی منحط سرمایه‌داری دارد) به شیوه‌های قرون وسطایی مبارزه توسل جسته است که امروز دیگر نه تنها برای مردم ما قابل قبول نیست، بلکه با انزجار و تنفر سه آن می‌نگرند.

امکان پذیر نیست. اگر مطابق اعتقاد رئیس دادگاه انقلاب اسلامی، قطع دینه و سنگسار میتوانست مرتکبان اعمال شنیع با... میبایست در عرصه نرسائی و کشورهای که بدین شیوه‌ها متوسل میشوند، خبری از فساد و فحشا نباشد.

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمان نحوه سنگسار را چنین تشریح کرده است: "به متهم ابلاغ میشود که شخصا غسل میت را انجام دهد... بعد از غسل، نوبت خنود میرسد که این کار را خود متهم باید انجام دهد... بعد از اینکه کفن تن کند... بعد از اینکه کفن پوشید اورا تا سینه در چاله‌ای فرو میکنند و بعد عده‌ای از مومنین او را سنگسار میکنند تا بدین وسیله از دنیا برود..."

ماضن محکوم نمودن چنین رویه‌هایی برای مبارزه با فساد و فحشا، به جمهوری اسلامی خاطر نشان میکنیم که ریشه انحطاط اخلاقی و فرهنگی را نمیتوان با سنگسار و قطع دست و پا از بین برد. انحطاط اخلاقی و فرهنگی جامعه ما محصول سیستم اقتصادی - اجتماعی حاکم، و دهها سال سلطه امپریالیسم و وابستگی به فرهنگ سوداگرانه، سرمایه‌داری و وابستگی بدون مبارزه اساسی با علت، نمی‌توان مایه‌ها را از میان برد. بدون بر انداختن سیستم سرمایه‌داری بدون قطع کامل وابستگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، محور فرهنگ و اخلاقیات منحط

حال آنکه چنین نیست، تجربه انقلابات پیروز مند پرولتری نشان داده است که محو ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی که محصول جامعه طبقاتی است، تنها در رابطه با تغییرات اساسی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی جوامع، امکان پذیر است. چه در ویتنام قهرمان و چه کوبای سوسیالیستی، در هر کجا که انقلاب، مناسبات جامعه را از بن‌برور و کرده است، توانسته اند در بر خوردی آگاهانه و سنجیده، معلول‌ها را در مرتب تغییرات اساسی قرار داده و بطور ریشه‌ای آنها را از بین ببرند. جمهوری اسلامی از آنجا که میخواهد به جای برخورد اساسی با ریشه‌ها و علت بدخستی‌ها، به معلول‌ها بپردازد، علیرغم هرگونه شدت عمل و خشونت که بکارگیرد، هرگز قادر به از بین بردن آنها نیست.

انحلال آموزش و پرورش کردستان و مبارزات خلق کرد

مبارزات پرشکوه و دل‌آوران خلق قهرمان کرد، برگه‌های زرینی در تاریخ مبارزات خلقهای میهنمان گشوده است، خلق رزمنده کرد که از ماهها قبل از قیام مبارزه‌های پیگیر و بی‌امان علیه رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی آغاز کرده بود، بعد از قیام نیز مبارزه خود را در بعد ضد امپریالیستی آن ادامه داد و تا کنون برای رسیدن به حقوق دموکراتیک خلقهای ایران، استوار و بی‌تزلزل گام برداشته و در این راه مصائب و سختیهای بیشماری را تحمل کرده است.

بمباران شهرها و روستاها، به گلوله بستن مردم بی دفاع، اعدامهای دسته جمعی و وسیع و بلاخره محاصره اقتصادی، خللی در مبارزه خلق کرد بخاطر حفظ و گسترش و تعمیق دستاوردهای قیام بوجود نیآورده است.

امروز سرکوبگران خلق قهرمان کرده شیوه‌ای نو برای بزاسو در آوردن آنها دست زده و با اعلام انحلال آموزش و پرورش کردستان جبهه جدیدی در این مبارزه گشوده اند، امروز معلمین و محصلین رزمنده کرد که در آگاه سازی توده‌ها و سازماندهی مبارزه خلق کرد نقش فعال و برجستهای ایفا میکردند بنوعی دیگر مورد غضب سرکوبگران قرار گرفته اند.

مدارس کردستان، با توجه به نقش پراهمیت معلمین و

محصلین رزمنده و مبارز، یکی از بایگایهای مبارزه و مقاومت خلق کرد محسوب میگردد.

مقاومت دلیرانه محصلین شهر سنجندج در مقابل ورود ارتش و پاسداران به شهر در آغاز یورش سه سنجندج، نقش آنها در بسیج سازماندهی توده‌ها برای مقابله با تهاجم نظامی در اکثر شهرهای کردستان و همچنین برنامه‌ای که برای جمع آوری و کمک رسانی غذایی و درمانی به رزمندگان و مردم قهرمان کردستان ترتیب داده بودند، مبین نقش بارزشان در مبارزه، و ترس و وحشت سرکوبگران از آنهاست سرکوبگران خلق کرد امروز می‌خواهند با انحلال آموزش و پرورش بخيال خود معلمین زحمتکشی را که بدون واهم ترس جاده‌های سنگلاخ و صعب العبور روستاهای کردستان را می‌پیمایند تا آگاهی و فرهنگ انقلابی را اشاعه دهند و محصلین و دانش آموزانی را که با شور و شوق فراوان می‌آموزند و آموخته‌های خویش را در مبارزه غرور آفرینشان بکار میگیرند، از مبارزه باز دارند و از حرکت انقلابی آنان جلوگیری بعمل آورند، اما همانگونه که مبارزان و بتوب بستن شهرها و روستاها و محاصره داروئی و غذایی و اعدامهای دسته جمعی انقلابیون نتوانست مقاومت مردم رزمنده کرد را درهم شکنند، انحلال آموزش و پرورش، اخراج معلمین و

ستن مدارس نیز نمی‌تواند آنها را از مبارزه بخاطر حقوق دموکراتیک خود بازدارد.

اعلام انحلال آموزش و پرورش کردستان در عین اینکه نمایشگر ضعف و زبونی سرکوبگران در یورش نظامی به کردستان است و رشک شکنی تئوریهائی را نشان میدهد که می‌خواهد حاکمیت را با نصیحت و پند و آداب به دادن حقوق خلق کرد کند این تصمیم دولت در عین حال و برخلاف آنچه که گردانندگان "ارگان سراسری" جلوه میدهند شرکت فعال و همه جانبه‌ی توده‌های کرد را در این مبارزه بیان می‌کند.

انحلال آموزش و پرورش کردستان همچنین پاسخی است به گردانندگان "ارگان سراسری" که از آیت الله بهشتی و رئیس جمهور پرسیده بودند "تاکنون چه اقدام عملی و مثبتی برای حل مسئله کردستان بعمل آورده اند."

انحلال آموزش و پرورش کردستان در عین حال گام دیگریست که هیئت حاکمه در پس انقلاب به اصطلاح فرهنگی برداشته است و همراه با کشتار و اعدام انقلابیون در گوشه و کنار کشور، در جهت محو نابودی دستاوردهای قیام خونین خلق میکوشد و ماهیت خود را نیز بیش از پیش آشکار میگرداند.



پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیشداوری های ما یا تسلیم طلبی های شما؟

در پاسخ به مقاله مندرج در شماره ۶۳ ارگان سراسری "کمیته مرکزی"

اکنون برخورد با مسئله حاکمیت چه در عرصه تئوریک و چه در جنبه عملی آن صورت یک مسئله حاد و مرم جانش مسا درآمده است.

صریح نظرش داشت، چراکه توافقی گویی و ابهامات صمیمه کار ۳۵ و سپس اعلام غیرواسته دانستن حاکمیت سیاسی در کار ۵۹ ماهیت طبقاتی حاکمیت را مشخص نمیکرد، سرانجام در اثر گسترش وحدت مبارزه طبقاتی، فشار نیروهای سیاسی، و مبارزه آیدئولوژیک درونی و علنی، نظرش را اعلام کرد، ما سیر علمبرغم اینکه از در غلطی در روزافزون آنها در منجملات اما پور توئیس بسیار متاسفیم، اما از اینکه مبارزه آیدئولوژیک علنی اولین ثمرات خود را در جهت ترسیم خط و مرزهای مشخص و اعلام صریح نظرات بسیار آورد

کسیده اند که معتقدند "نارتش، نه شهربانی، نه اندام مری، هیچکدام بدون فرمان خورده بورژوازی حاکم حق شلیک تیر ندارند." یعنی به تعبیر آنها قدرت واقعی در دست خورده بورژوازیست. ما نیز بحث خود را از همین مسئله آغاز می کنیم آنها در مقاله خود می نویسند: یکی از دلالت های که رفتارهای اثبات این حکم که سلطه یا قدرت واقعی در دست نمایندگان سرمایه داری و ایسته به امیرالیم است ارائه میدهند، آن است که گویا اغلب پست های حساس در دست

نتیجه ای جز تخریب و هوشیاری توده ها که دقیقاً در خدمت بورژوازیست، نداشته است، باز هم چندان اهمیت ندارد. با یک چنین شیوه استدلالی، بنظر میرسد که احزاب منشویک و اس ارتیز که در روسیه از حمایت وسیع توده ها برخوردار بودند، و شوراهار ایشت سر داشتند، نه نیروهای سازشکار، نه تحمیلی کنندگان توده های مردم بلکه بانکا همین پایگاه توده ای قدرت

کسی که بپنداری خرد بورژوازی را وارد تحلیل مارکسیستی نماید با استدلالش چنین است: بفرضی هم که مواضع حساس و کلیدی در دست بورژوازی باشد، و قبیل از هر چیزی از رگانه های مادی سرکوب دولتی، ارتش، شهربانی، ژاندارمری و نیز بوروکراسی در دست این طبقه باشد و سیاستهای این طبقه در عمل اجرا شود، با زهم قدرت واقعی در حاکمیت در دست آیت الله خمینی است.

واقعی رادردست داشته اند و همین اشتباه می کرد که قدرت حقیقی در دست بورژوازیست، با اعتقاد ما یک چنین استدلالی، چنانچه فریب توده ها نباشد ساده لوحی محض است. نویسندگان مقاله "نظری بر... ما را متهم کرده اند که تنها پستیهای دولتی را در نظر گرفته ایم که بنظر آنها فاقد اهمیت است، در حالیکه مانده تنها بر ارگانهای اقتدار دولتی، بر پستیهای حساس و مواضع کلیدی در دستگاه دولتی بلکه بیش از آن بر سیاستهای اعمال شده از جانب دارندگان قدرت دولتی تاکید کرده ایم. اما این آقایان که پایگاه توده ای را ملاک "قدرت واقعی" در دستگاه دولتی می شناسند، معیارهای تعیین مارکسیستی را در مورد تعیین ماهیت طبقاتی دولت و قدرت واقعی زیر پا گذاشته اند. حال ببینیم مارکسیست ها چه معیارها و موازین را در تعیین ماهیت طبقاتی دولت و قدرت واقعی ملاک قرار میدهند. لنین هنگامیکه به ارزیابی ماهیت طبقاتی حکومت پس از انقلاب فوریه می پردازد چنین می نویسد: "... این حکومت در حالیکه نیات خود را در پیس جملات انقلابی پنهان می دارد، مواد را با تسلط کهن رابسه مقام های حساس می گمارد. این حکومت می گوشت تا تمام دستگاه ها شین و ولنی ارتش، پلیس و دستگاه داری، را حتی المقدور با املاکات کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید هم اکنون دست بگارین شده است که به وسیله ای شده از اقدام انقلابی به عملیات توده ای و تصرف

مضمون اصلی مقاله "نظری" بر... اثبات این امر است که خورده بورژوازی قدرت سیاسی را در دست دارد و بورژوازی تبدیل به زائده خورده بورژوازی شده است و اگر اینچنین و آنچه در دستگاه دولتی در ارتش و بوروکراسی عناصر وابسته به بورژوازی یافت می شوند، آنها مطیع فرامین خورده بورژوازی و در حقیقت مهره های هستند که خورده بورژوازی در شرایط کنونی از آنها "استفاده می کنند." به تعبیر دیگر حاکمیت سیاسی موجود حاکمیتی خلقی، ضد امپریالیست و انقلابیست (۱)

بسیار خرسندیم. مضمون اصلی مقاله "نظری" بر... اثبات این امر است که خورده بورژوازی قدرت سیاسی را در دست دارد و بورژوازی تبدیل به زائده خورده بورژوازی شده است و اگر اینچنین و آنچه در دستگاه دولتی در ارتش و بوروکراسی عناصر وابسته به بورژوازی یافت می شوند، آنها مطیع فرامین خورده بورژوازی و در حقیقت مهره های هستند که خورده بورژوازی در شرایط کنونی از آنها "استفاده می کند." به تعبیر دیگر حاکمیت سیاسی موجود، حاکمیتی خلقی، ضد امپریالیست و انقلابیست!! ناگفته بیداست که بنظر آنها چون قدرت سیاسی از دست یک طبقه (سرمایه دار) بدست یک طبقه یا قشر دیگر یعنی "خورده بورژوازی" افتاده است. پس الراما "این نتیجه گیری بدست می آید که طبق تعریف مارکسیستی، در ایران "انقلاب دمکراتیک ملی" پهنور شده است. طبیعی است که آنها بر طبق این نظر، ما را مورد انتقاد و سرزنش قرار دهند، که چرا ما گفته ایم "قدرت واقعی" در دست بورژوازیست و کار تئوری مارکسیستی دولت رابه آنجا

توجهات سعی در گریز از اعلام حاکمیت چه در عرصه تئوریک و چه در جنبه عملی آن صورت یک مسئله حاد و مرم جانش مسا درآمده است. این برخورد از جنبه نظری و بدین لحاظ اهمیت حیاتی و تعیین کننده ای یافته است که جناح "کمیته مرکزی" یک بر داشت بورژوازی لیبرالیستی از دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی و مسئله معیارها و موازین تعیین قدرت واقعی را از آنکه میباید به تحریف نظریه مارکسیستی دولت پرداخته است. این روند که بار دیگر معیارها و موازین تعیین قدرت واقعی در دستگاه دولتی و بوروکراسی را از آنکه میباید به تحریف نظریه مارکسیستی دولت پرداخته است، پی می برد و در نهایت به صورت روی برافسار مبارزه انقلابی، به دست آمدن حاکمیت عملی اعلام بورژوازی و در نتیجه خورده بورژوازی تبدیل به زائده خورده بورژوازی شده است و اگر اینچنین و آنچه در دستگاه دولتی در ارتش و بوروکراسی عناصر وابسته به بورژوازی یافت می شوند، آنها مطیع فرامین خورده بورژوازی و در حقیقت مهره های هستند که خورده بورژوازی در شرایط کنونی از آنها "استفاده می کنند." به تعبیر دیگر حاکمیت سیاسی موجود حاکمیتی خلقی، ضد امپریالیست و انقلابیست (۱)

نخستین بار در جنبش توده های گفت که سرانجام بیکی از رزوه های دیرینه خورده سیدو "کمیته مرکزی" برای اولین بار در مقاله ای که در "ارگان سراسری شماره ۶۳ به نقد نظرات ما اختصاص داد، در حدودی به صراحت نظر خود را درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت اعلام کرد. " کمیته مرکزی " که تاکنون در سطح جنبش با این صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بودو همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

سیاسیهای اعمال خود را با آنها چریکهای شورشی چریک‌گیری بوده است؟ آنرا ارکان سازش از همان آنساز شکل‌گیری خود بحررر مهای شورزائی و موفتی در عرصه اقتصاد و امور سیاسی، که در فشار توده‌ها صورت گرفته جز وعده و وعید و "بوساندن نیات واقعی خود در پس حتمیلات انقلابی" چه کرده است؟ اینکه حاکمیت کونی از همان هنگام که سازش شکل گرفت تلاش نمود، که دستگاه‌های دولتی را حتی المقدور با اصلاحات کمتری تحویل بگیرد و هنگامیکه توده‌ها با قیام خود انگیخته خود ضرباتی به ماشین دولتی شورزائی وارد آوردند، "ارگان سازش" یا کتاب باز سازی، ارتش پلیس و دستگاه اداری را از کار برد و بحررر مهای محدود و ناچیز تغییر اساسی در آنها صورت گرفت. آیا این همه به تعمیر یور تو نیست‌ها نمی‌تواند ملاکی در تعیین ماهیت طبقاتی حاکمیت باشد؟ آیا هنگامیکه شما در پاسخ تحلیل ما "پیرامون ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت" که در آن نوشته بودیم "در اسب حاکمیت که از لحاظ ترکیب طبقاتی از نیروهای وابسته به قشر فوقانی خرد بورژوازی سنی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتاً "بورژوازی متوسط) تشکیل شد، پستیهای حسابی و مراکز مهم دستگاه دولتی عملاً بدست بورژوازی افتاد، می‌توانستیم قدرت دولتی به تعداد پستیهای دولتی مربوط نیست. اینکه خرد بورژوازی قدرت واقعی را در دولت به دست دارد، به هیچ وجه معمای آن نیست که اغلب پستیها را نمایندگان خرد بورژوازی اشغال کرده‌اند "براستی فقر ثوریک خود را نشان نمی‌دهید؟ شما یا اسبا "در کی از مضموم دولت و در ماشین دولتی از نقش ارتش و بوروکراسی و رابطه آن با قدرت واقعی و اعمال سیاستها، ندارد و یا اینکه آگاهانه به تحریف حقایق و فریب توده‌ها متوسل شده‌اید یا عتیار گفته شما یک طبقه می‌تواند قدرت واقعی را در دست داشته باشد، و سیاستهای خود را پیش برد، اما پستیهای حساس و مراکز مهم دستگاه دولتی، ارتش، بوروکراسی و بطور کلی ارگانهای مادی سرکوب در دست آن طبقه‌ای باشد که قدرت صوری است این است نمونه کاملی از تحریف لبرالی مارکسیسم. و ما دیدیم که کمترین نتنها در نقل قولی که پیش از این ذکر کردیم "بر مقام های حساس" دستگاه دولتی (ارتش، پلیس، و دستگاه اداری) "عمده ترین مقامات وزارتی که دارای اهمیت قطعی است در حکومت جدیدند (وزارت کشور، وزارت جنگ یعنی فرماندهی بر ارتش، ونیز پلیس، و دستگاه اداری و کلیه دستگاه استعماری بر توده‌ها" تا کید دارد، بلکه در نوشته‌های متعدد خود پیرامون تعیین ماهیت طبقاتی دولت، این معیار را در نظر داشته و به آن اشاره می‌کند، منجمله در "نامه هائی از دور" می‌نویسد:

"این دولت جدید که در ۱۷ نوامبر و گویکف یعنی کتابریست ها و تجدید طلبان

مسامحت جو، این دستیاران در یورزی استولیبین میر غضب، پستیهای واقعا "مهم پستیهای حساس تا کید این پستیهای موشررتش و دستگیره آوری، راد در دست دارند. این دولت که میلوکف و گاد بهای دیگر بیشتر برای زینت، برای عنوان و به منظور ایراد نطق های ملیتی، پرسور ما یا نسه در آن وارد شده‌اند و کرسکی ترود و یک هم نقش گیتار را در آن بازی می‌کند. این دولت یک اجتماع تصادفی از افراد نیست."

(نامه هائی از دور)

اما این آقایان بوضوح نشان می‌دهند که بارد یک چنین معیار با معیارهای مشخص تعیین ماهیت طبقاتی دولت بیگانه‌اند. آنها را می‌پرسند "آیا هم اکنون واقعا "فلاحي‌ها، علوی‌ها، باقری‌ها بر ارتش فرمانروائی می‌کنند یا این عناصر فعلا "به هر حال مجبورند از آیت الله خمینی و محافل پیرو او تبعیت کنند؟" و سپس این حکم بسیار بدیع و پنهان میزان ذهنی را می‌دهند که "اگر تمام امور واقعا "در دست آنها بود لحظه‌ای هم از بازگردانیدن پدرتاجدارشان، شاپور بختیارشان و از این قماش غافل نمی‌ماندند "حساب برسدنی است که پس در اینجا توده‌ها چکاره‌اند؟ میلیونها مردمی که فریاد زدند "مرگ سر شاه" چه نقشی در این میان خواهند داشت. شما که خود را قهرمان "بازگشت به اصول" (بخوان بی برنسیپی) میدانید، شما که خود را در ارتباط با توده "میدانید در این مورد نسبت به مردم چگونه فکر می‌کنید؟ آیا این مسئله دقیقا "بی اعتقادی شما را به "توده" نشان نمیدهد؟ آیا این اعتقاد که عدم پیسر گردانیدن "پدرتاجدار" ارتش تنها در اثر نفوذ و قدرت بخشی از هیئت حاکمه است باین معناد نیست که مردم در این میان هیچ کاره هستند؟ دقیقا " شما بر همین اعتقاد هستید. شما چشم به بالا دوخته‌اید و به توده‌ها اعتقادی ندارید. همانطور که مبارزه ضمیمه امیرالیستی را اسبا "در بالا می‌بینید، همانطور هم عدم برگشت شاره را ندر تنفر توده‌ها نسبت به شاه و بختیار، نه در مبارزه آنها علیه شاه، بلکه تنها در نفوذ و قدرت "آیت الله خمینی و محافل پیرویی" میدانید. شما حتی از خود این محافل هم نسبت به مردم بیگانه تر هستید و این جزایبی اعتقادی شما نسبت به توده‌ها ناشی نمشی شود در حالیکه بنظر شما این مبارزه توده‌ها علیه شاه و همچنین تضاد بین حاکمیت سیاسی کونی با قدرت گیری طرفداران شاه و خود اوست. و تازه با این اعتقاد که "بهر حال" سیاست حاکم بر ارتش بوسیله "خرد بورژوازی" دیکته میشود، باین اعتقاد که "فعلا" بهر حال "عناصر ارتشی مجبورند از سیاست خرد بورژوازی

تبعیت کنند و الا " ماهیت ارتش را در عناصر آن می‌بینید و تا آنجا که تبخیر بر سر ارتش ضد خلقی می‌ریزد. چرا که این حکم بغایت غلط را ترویج می‌کنید که اگر چه عناصر ارتش ضد خلق هستند ولی این عناصر سیاست خرد بورژوازی هستند. و بنا بر این به نظر شما حرکت این ارتش "بهر حال" و "اجبارا" "تبعیبات سیاستهای خرد بورژوازیست. در حالیکه بنظر ما ماهیت عملکرد این ارتش را سیاستهای حاکم تعیین می‌کنند ما برای تعیین این سیاستها بدین مسئله توجه می‌کنیم که ارتش علیه چه طبقه و بضع کدام طبقه عمل می‌کند آیا کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهر و روستا را سرکوب می‌کند یا سرمایه داران و زمینداران را؟ آنچه واقعات اسکار ناپذیر نشان میدهد، ارتش همیشه سرکوب کارگران و زحمتکشان سهن مان پرداختند. سرمایه داران و زمینداران بوده است. از سوی دیگر شوه استدل شما در اینباره بمنتها در چه عامیانه و عوامفریبانه است؟ شما که نقش ارتش و بوروکراسی را به عنوان مهمترین مختصات دولت بورژوازی در کنگرده‌اید، سؤال می‌کنید که "اگر تمام امور واقعا "در دست آنها بود، از بازگردانیدن پدرتاجدارشان، شاپور بختیارشان و از این قماش غافل نمی‌ماندند. آیا حال برسدنی است که آنها با توجه به فقر عمیق توده‌ها از رژیم شاه باز هم سیاست امیرالیسم و بورژوازی وابسته بازگردانیدن شاه است، و یا اینکه بورژوازی نمایندگان دیگری نیز دارد، که بهمان اندازه می‌توانند منافع امیرالیسم و بورژوازی را تامین کنند؟ تا آنجا "می‌رسید که اگر سران مزدور ارتش قدرتی دارند، پس چرا در برگردانیدن شاه و بختیار درنگ می‌کنند؟ شما توجه نمی‌کنید که اگر آنها قصد کودتاهم بنفع آنها داشته باشند، این کودتایی می‌تواند، در تحت هر شرایطی بدون زمینه‌سازی لازم، و در نظر گرفتن شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، وضعیت توده‌ها، و موقعیت طبقه حاکم صورت پذیرد.

و باز ما سؤال می‌کنیم که آیا این حکومت انقلابی شما از همان فردای سازش تلاش نکرد که بهر وسیله ممکن جلوی انکار انقلابی توده‌ها را بگیرد و از تصرف قدرت از پائین یعنی به توسط توده‌ها که بقول لنین "یکانه تضمین موفقیت‌های واقعی انقلاب است جلوگیری نماید؟" مگر همین حکومت در جهت تلاشی شوراها، در جهت خلع سلاح مردم، سرکوب کارگران، سرکوب دهقانان که به شیوه انقلابی به مصادره اموال زمینداران بزرگ پرداختند سرکوب خلقهای تحت ستم و بطور کلی سرکوب توده‌های خرد بورژوازی. نپرداخت؟ مگر مردم را از حمله به پادگانها و دستگاه استعماری رژیم گذشته باز نداشت، و هنگامیکه توده‌ها در پی نابود کردن ارگانها و نهادهای رژیم گذشته بودند، بلندگوهای همین سران سازشکار خرد بورژوازی بر روی

مینی بوسها مردم را در عتوت نمی‌گردند که خانه‌های خود بازگردند؟

حاکمیت جدید با تمام قوا در جهت متوقف کردن، دامنه قیام نکوشید، مگر مناسبات سرمایه‌داری وابسته را حفظ نکرد؟ آیا تمامی این اقدامات ضد انقلابی بیانگر ماهیت بورژوازی حاکمیت نیست؟ آیا اینکه مادر کار ۱۶ نوشته‌یم که "این حکومت از همان روزهای نخستین بقدرت رسیدن خود، در جهت متوقف کردن دامنه قیام‌گام برداشت، از انهدام کامل ارگانها و نهادهای رژیم گذشته بوسیله توده‌های قیام کننده ممانعت بعمل آورد "خصیلت‌های انقلابی و ترقیخواهانه‌ای را به خرد بورژوازی نسبت داد ایم که مختص پرولتاریاست "کشمیا می‌نویسد "رفقای اقلیت برای توجیه نظرات خود خصیلت‌های انقلابی و ترقیخواهانه‌ای را به خرد بورژوازی نسبت می‌دهند. که فقط مختص پرولتاریاست. آیا شما هم توجیه نظرات خود و انابت خرد بورژوازی بودن حاکمیت، اقدامات ضد انقلابی دولت بورژوازی را بحساب ناتوانی خرد بورژوازی می‌گذارید و به تحریف نظریات ما می‌پردازید؟ یا ما خصیلت‌های انقلابی و ترقیخواهانه‌ای را به خرد بورژوازی نسبت داد ایم که مختص پرولتاریاست؟ ما گفتیم که حاکمیت جدید نگذاشت توده‌های قیام کننده، ارگانها و نهادهای رژیم گذشته را هم بکوبند، در اینجا صحبت از توده‌های قیام کننده است، توده‌هایی که بطور غریزی در روزهای قیام در پی نابودی ارگانهای استعماری گذشته بودند، بهر نهادی که متعلق به رژیم گذشته بود دنبال قدرت می‌نگریستند، و در جهت نابودی آن گام برمی‌داشتند. توده‌هایی که در کارخانه، در مرزها، در محلات و غیره شوراها را در پی توده‌های تشکیل دادند، ارگانهای اقتدار توده‌ای پدید آوردند مسلحانه از دست آورده‌های خود پاسداری کردند و قدرت خود را اعمال نمودند. آری، توده‌ها می‌خواستند ارتش و ارگانهای سرکوب رژیم را هم بکوبند و ارگانهای اقتدار توده‌ای را بناهند، اما حاکمیت جدید و بویژه سران سازشکار خرد بورژوازی در برابر حرکات و ابتکارات انقلابی توده‌ها ایستادند، سران خرد بورژوازی با سازش خود تهنه‌ها بلکه به منافع توده‌های خرد بورژوازی خود نیز پشت پا زدند، حال شما از ما سؤال می‌کنید که آیا خرد بورژوازی می‌تواند تمام دستگاه دولتی را خرد کند؟ گویا چنان، لحنی سؤال می‌کنید که توده‌ها می‌توانند تمام دستگاه دولتی بورژوازی را خرد نمایند، شما تهنه‌ها برای اثبات این ادعای خود هیچ دلیلی نمی‌آورید، بلکه در نقل قولی هم که از ما آورده‌اید، پیش داوریهای خود را بجای نظرات

ما قرار داده‌ای کلمه "توده‌ها" دزدین خود خرد بورژوازی را قرار داده‌اید. یک چنین تحریفی چه مقصودی جز واژگونه جلوه دادن ماهیت حاکمیت کونی می‌تواند در بر داشته باشد. خلاصه بحث برسر این حقیقت مسلم نیست که خرد بورژوازی نمی‌تواند تمام دستگاه دولتی را خرد کند، بلکه بحث ما بر سر توده‌ها بود و نه خرد بورژوازی، ما با طرح اقدامات ضد انقلابی "ارگان سازش" ماهیت آنرا نشان دادیم و گفتیم حاکمیتی که از بردای قیام آغاز به ساز سازی مناسبات اجتماعی موجود کرد، حاکمیتی که هیچگونه تلاشی در جهت از میان بردن مناسبات وابسته نگردد، از سرمایه داران و زمینداران در برابر کارگران و دهقانان دفاع نمود، در جهت درهم کوبیدن دستاوردهای انقلابی توده‌ها گام برداشت، همانا حاکمیتی بورژوازیست، طبیعی است که ما از این حاکمیت توفعی هم نداریم که مناسبات وابسته را در هم بکوبد و سرمایه داران زمینداران دفاع نکند. منظور نشان دادن سیاست‌های عملی و ما همیشه طبقاتی این حاکمیت است که هنوز برای عده‌ای نا شناخته باقی مانده است اما شما تحت عنوان ناتوانی و عقب ماندگی خرد بورژوازی، آب تطهیر بر سر حاکمیت بورژوازی میریزید و با احکام بی پایه، قدرت واقعی را در دست خرد بورژوازی میدانید پس این چگونه خرد بورژوازی است که از مناسبات وابسته دفاع میکند، محدودیتی بر مالکیت سرمایه داران ندارد و زمینداران را قرا رتمبدهد توده‌ها را بشیوه‌های قهر آمیز سرکوب میکند، حقوق و آزادیهای دمکراتیک را از توده‌ها میگیرد و باز هم همچنان خرد بورژوازی انقلابی و ضد امیرالیست است؟ شما نه تنها این دروغ آشکارا را با ما نسبت داده‌اید که گویا ما گفته ایم خرد بورژوازی می‌تواند ماشین دولتی بورژوازی را خرد کند بلکه در محبت مربوط به مالکیت نیز یک چنین برخوردی کرده‌اید. شما نوشته‌اید که ما توان خرد بورژوازی و پرولتاریا را یکسان گرفته ایم و از خرد بورژوازی که مالکیت خصوصی را ملغی کند، اینکه ما گفته ایم حاکمیت مالکیت را مقدس و محترم اعلام نموده‌است چه ربطی با این مساله دارد که ما از خرد بورژوازی انتظار داشته باشیم که مالکیت خصوصی را ملغی کند؟ آنچه در این مورد نیز گفته شده برای نشان دادن ماهیت بورژوازی آن بوده است که هنوز برای عده‌ای نامفهوم مانده و برخی دیگر مانند شما آنرا واژگونه جلوه داده‌اند.

آیا نقدیست مالکیت بورژوازی در شرایطی که مناسبات حاکم سرمایه‌داری وابسته است چه معنایی جزنا شید مالکیت بورژوازی وابسته می‌تواند داشته باشد؟ بنظر ما یک وضعیت عینی مشخص خرد بورژوازی را به مناسبات امیرالیسم میکشاند. واقعیت عینی، تقابل مشخص موقعیت خرد بورژوازی در تولید و مبادله با موقعیت بورژوازی وابسته بمشابه با یگانا امیرالیسم می‌باشد. بنا بر این نمایندگان خرد بورژوازی اگر بخواهند بیانگر منافع خرد بورژوازی باشند باید علیه سرمایه داری وابسته مبارزه کرده و آنگاه که قدرت را در دست می‌گیرند در حرف بلکه در عمل به محدود کردن مالکیت "طبق منافع خرد بورژوازی اقدام کنند ما از خرد بورژوازی نمی‌خواهیم که مالکیت را نفی کند بلکه محدود کردن مالکیت آن معیار عینی است که صفخرده بورژوازی را از بورژوازی جدا میکند و بنا بر این اینکه حزب جمهوری اسلامی، عوامفریبانه خود را ضد امیرالیست میدانند برای ما کافی نیست، بلکه این مساله مطرح است که آیا مبارزه ضد امیرالیستی بدون مبارزه علیه بورژوازی وابسته امکان پذیر می‌باشد؟ یا شما چه در اسناد رسمی حاکمیت سیاسی و چه در سیاست عملی اینها میتوان سیاستی در جهت محدود کردن مالکیت بباید؟ بنظر ما نه بر عکس همیشه از مشروغ بودن مالکیت صحبت شده است و واژه "شروع" نیز در اسلام کامت ساخته شده است. بهمین دلیل است که بران جمهوری اسلامی اعلام میکنند سرمایه دارانی که به جمهوری اسلامی معتقد باشند از تعرض مومن آنده و تازه این سوال مطرح میشود که اگر حاکمیت سیاسی ایران ملی و انقلابی است و بر عزم شما آنچنان تضادهایی با وابستگان و لیبرال‌ها دارند که بر روی هم شمشیر میکشند، چرا این حاکمیت سیاسی در این مبارزه طبقاتی همواره خرد بورژواها را مورد حمله قرار میدهد، چرا دهقانان با زبونچه آنها بمباران میکند، چرا کسبه و اصناف نقده، میروان و... را مورد تعرض قرار میدهد، با دهقانان ترکمن صحرا چه دشمنی دارد، با کاسیرانان، دهکده‌های کناری خیابان، چه خصومتی دارد، چرا کسبه جز راه جرم گرانفروشی شلاق میزند و در همان حال به



بر خورد (که آنهم چندلن جاد نیست) نتیجه میگیرید که این مبارزه ناشی از دو ماهیت طبقاتی است. بهر حال ما معتقدیم "سران حزب جمهوری اسلامی" تا جایی که به سیاست و عملکرد آنان مربوط میشود و نه در ادعای ایشان (چرا که ما فضاوت بر روی افراد و احزاب و جریانها را بر نظر می داریم) نسبت به خودشان دارند نمیکنیم (بعلمت نقشی که در باساری نظم وابسته دارند، بعلمت دفاع از "مشروعیت" مالکیت و بعلمت نقشی که در دولت و شورای انقلاب دارند) اساسا یک جریان بورژوازی میباشند و مبارزه آنها را علیه "لیبرالها" از نوع مبارزه "درون طبقه" از رزبایی میکنیم. این مبارزه بعلمت اینکه این دو فرآکسیون سربستریک بحران همه جانبه حکومت میکنند و در صدد باساری آنها را سبب دیده "بورژوازی هستند، باهم درگیری های بسیار داشته خواهند داشت و اساسا یکی از نمودهای "بحران" تشدیدتسا در رزبایی است اما بد نیست شما و افقیاتی که در حجاب با تفیق میقتد دقت کنید آیا اینهمه کودتاها و جناحهای ارتجاعی علیه حاکمیت های ارتجاعی بسیاری چیست، چرا در آن زمین، زنیال ها علیه خانم بیرون کودتا میکنند. (شاید شما هم مثل فریبستهای آرژانتین معتقدید که خانم بیرون نماینده بورژوازی ملی است). همین بغل گویی خودمان در ترکیه، تصادفین حزب جنبش ملی و حزب جمهوری خلق برهبری بلنذا حوت بر سر چیست که هر روز علیه هم توطئه میکنند، دفاتر عم را منفجر میکنند و... (ممکن است شما هم مثل فریبست های ترکیه معتقدید که بلنذا حوت نماینده بورژوازی ملی میباشد) اینهمه جنگ جناحهای مختلف طبقاتی علیه یکدیگر که در بسیاری از آنها طبقات ستمکش هم در این باساری جناحی و یا در هر دو جناح بناحق قرار میگیرند برای چیست؟ آیا همایش جنگ ها، کودتاها و توطئهها بعلمت ماهیت متفقان و طبقاتی طرفین درگیر جنگ است؟ چون اگر شکل حل تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای سرمایه داری کلاسیک و خلق با امپریالیسم و پیایگاه اجتماعی آن در کشورهای تحت سلطه فخر میزخواهد بود شکل مبارزه بین جناح های مختلف بورژوازی و جناح های مختلف ضد خلق همیشه و الزاما مسالمت آمیز نبوده بلکه بستگی به شرایط و اوضاع و احوال بدین و یا آن شکل، این

مبارزه جریان خواهد داشت. آنقدر خالیکه تضاد را می بینند، آنرا بر طبق منافع عملی شان بنضاد دو طبقه رزبایی می کنند و چون همیشه چشم به "بالا" دارند، سعی در "جوب" جلوه دادن بخشی از "بالایشها" دارند. آنها به آشکارترین وجهی نشان می دهند که نه تنها در این دو فرآکسیون بورژوازی را درک نکرده اند بلکه بنظور اغتشاش مگری، حزب ارتجاعی خلق مسلمان را وارد جناح "لیبرالها" کرده اند در حالیکه این حزب اگر چه نزدیکاتی با ماصطلاح "لیبرالها" دارد ولی جهت گیری کلی آن در جهت بورژوازی بزرگ (بخش خصوصی) می باشد. ثابا شما در مورد دو فرآکسیون بورژوازی یعنی حزب جمهوری اسلامی و "لیبرالها" حرف خودتان را بمانست داده اید که گویا گفته ایم این دو جناح هم در ایدئولوژی، هم در برنامه... اختلاف دارند. شما در این بخش نیز آشکارا به تحریف نظرات ما پرداخته اید و می نویسید "از نظر این رفقا دو جناح بورژوازی متوسط در عملکرد، تاکتیکها و پیشبرد سیاستها با یکدیگر اختلاف دارند، اما این اختلاف که بزعم خودشان هم در عرصه ایدئولوژی هم در برنامه، و هم در تاکتیک بروز کرده است متضاد مذهبی دارد." حال ببینیم ما چه نوشتیم؟ اگر چه ما بعلمت سیاستهای هر دو فرآکسیون یکی است. هر دو رسالت خود را در اساس باساری و تقویت مناسبات موجود قرار داده اند و این امر در سیاستهای عملی و برنامه های شورای انقلاب با هم می خورد. حزب جمهوری اسلامی و دولت بازرگان و سیاستهای بنی صدور بوضوح به نمایش گذاشته شده است. اما این دو در نحوه عملکردها، پیشبرد سیاستها، تاکتیکها و یافتن نقش بی رقیب در حاکمیت با یکدیگر تضادی آشکار دارند. در اینجا صحبت از این نیست که این دو جناح "هم در عرصه ایدئولوژی، هم در برنامه، هم در اختلاف دارند، بلکه آنچه ما بر آن تاکید کرده ایم اینست که سیاستهای آنها ما هینا" یکی است و دارای ایدئولوژی اساسا با حدتاد ما در چگونگی نحوه عملکرد پیشبرد سیاست، و نیز در تضاد و یکپارگی تاکتیکها با یکدیگر اختلاف دارند. از آنجائیکه نویسندگان نقد حتی درک درستی از معنای ایدئولوژی ندارند و با معنای عملی شان احواب می کنند که چنین وانمود کنند. از اینکه ما گفته ایم سران حزب جمهوری اسلامی خواستار پیوند آشکار دین و سیاست هستند و رویتای ایدئولوژیک سیاسی مذهبی را یگانه رویتای آرمائی خود در جامعه سرمایه داری وابسته میدانند، در حالیکه "لیبرالها" با عیان شدن پیوند دین و سیاست و سلطه مذهب و روحانیت بر شئون مختلف زندگی اجتماعی مخالفند، و آنرا به لحاظ نقشی که مذهب باید در جامعه سرمایه داری در خدمت سیستم و طبقه حاکم ایفا کند، نامعقول می دانند، چنین نتیجه گیری کرده اند که ایست

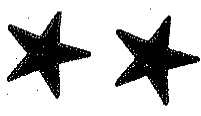
دو فرآکسیون دارای ایدئولوژی های متفاوت اند. اینکه دین و سیاست در جامعه بورژوازی با یکدیگر پیوند دارند، کوچکترین تردیدی در آن نیست. صحبت بر سر این مسئله است که جناحی در پی عریان کردن این پیوند و جناحی دیگر مخالف این عریان کردن است. بهتر است که متعقدین نظرات ما اگر فرصت مطالعه پدیده های سیاسی کلاسیک را ندارند، لافاقل به چند نوشته لنین که به بحث پیرامون این مسئله پرداخته است رجوع کنند. لنین هنگامیکه به مسئله تضاد میان "لیبرالها" و "کلیکالها" و درگیری آنها می پردازد، با این نتیجه می رسد که "بورژوازی لیبرال" و "بورژوازی کلیکال" در ایدئولوژی با یکدیگر اختلاف دارند. او با آوردن نقل قولی از تروتسکی لیبرال مینی بر اینکه "تغییر شکل کلسایه یک وسیله سیاسی بعلمت تاهای درونی آن تمام می شود." می نویسد:

دفاع می کند. حزبی که میلیونها بار از تجارت و نمند از آغاز تا سیس این حزب از آن و سیاستهایش دفاع کرده و بیشترین حمایت را از آن بعمل آورده اند. کلاسیکالیسم بویژه در مرحله گندیدگی و زوال سرمایه داری بصورت پدیده عمومی در آمده است و بسته بشرايط تاریخی مشخص و موقعیت و سنتهای توده های زحمتکش در یک کشور سرمایه داری بدرجات متفاوتی بروز می کند. چنانچه امروز حتی "لیبرالها" با توجه به بحران حاد موجود و با توجه به نقش مذهب و روحانیت در جامعه ما، تا حدودی از شرکت روحانیت در سیاست و استفاده از مذهب در دفاع می کنند. ولی زیاده رویهای حزب جمهوری اسلامی را در این مورد نمی پذیرد. اما اینکه بورژوازی میتواند به تاکتیکهای متفاوت متوسل شود یا جناحهایی از آن تاکتیکهای متفاوتی را برای حفظ سلطه

تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید ناقص باشد که خود احزاب در بار مضمون می گویند بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل می نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل می کنند و در اموریکه پای منافع طبقاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره و میان می آید چگونه رفتار می نمایند. "احزاب سیاسی در روسیه" پس از قیام دوارگان اصلی که قدرت دولتی را در دست داشته و سیاستهای عملی را اجرا کرده اند، "دولت بازرگان" و شورای انقلاب بودند. هژمونی را در شورای انقلاب سران حزب جمهوری اسلامی در دست داشتند و در حقیقت حزب جمهوری اسلامی حزب حاکم بود است. پس از قیام ما شاهد

شما تحت عنوان ناتوانی و عقب ماندگی خورده بورژوازی آب تظہیر بر سر حاکمیت بورژوازی میریزید و با احکام بی پایه قدرت واقعی را در دست بورژوازی میدانید، پس این چگونه خورده بورژوازی است که مناسبات وابسته را حفظ می کند، محدودیتی بر مالکیت سرمایه داران و زمینداران قرار نمی دهد، توده ها را بشیوه های قهرآمیز سرکوب می کند، با زهم همچنان خورده بورژوازی اشتدایی و ضدا میریالیست است؟

با سران حزب جمهوری اسلامی نه در ماهیت سیاستهای اعمال شده بلکه بر سر چگونگی اعمال سیاستها بود. آیا حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزب حاکم و سران این حزب در شورای انقلاب عملا چه کردند؟ آیا آنها هیچ کدام عملی در جهت محدود کردن مالکیت بنفع خرده بورژوازی وابستگی، در جهت حمایت از توده های خرده بورژوا برداشته اند؟ آیا وقتیکه برنامه های رضا صفهانی در مورد رفم ارضی، مورد تأیید قرار نمیگردد و او در مصاحبه خود در روزنامه انقلاب اسلامی، دلایل این امر را بیان می کند، این کدام طبقه حاکم است که مانع اجرای این برنامه میشود، و آنچه را که شورای انقلاب تصویب می کند چیزی جز یک فرم بورژوازی نیست. آیا سیاستهای سران حزب جمهوری اسلامی در راس وزارتخانه ها، و مراکز حساس دولتی پیش برده اند، چیزی سواي، سیاستهای دولت بازرگان بوده است؟ سیاست رفسنجانی و کنی در راس وزارت کشور و سیاست بهشتی در وزارت دادگستری کدام تفاوت ماهوی را با سیاست وزرای دولت بازرگان داشته است. آیا حزب جمهوری اسلامی، از سرکوب خلقها، از سرکوب توده های خرده بورژوازی، دفاع نکرده است؟ آیا ارتجاعی ترین فئودالها و زمینداران مورد تأیید و حمایت این حزب قرار گرفتند؟ آیا حزب جمهوری اسلامی سازماندهی گروههای فالتان و باند های سیاه نبوده است؟ آیا بیشترین حملها به سازمانهای انقلابی و مترقی نکرده است؟ آیا بیشترین حمله و فشار را به سازمانهای خورده بورژوازی وارد نیابوره است؟ آیا در کنار دیگر سازمانهای بورژوازی سرکوب کارگران را تأیید کرده است و آیا آنچه که حزب جمهوری اسلامی بدان عمل کرده است بدان بیانگر ماهیت طبقاتی بورژوازی این حزب نیست؟ خلاصه آنچه که حزب جمهوری اسلامی بدان عمل کرده است نه سیاستی ماهیتا متفاوت از بورژوازی بلکه سیاستی بورژوازی اما با شیوه های دیگر بوده است. آیا حزبی که از جنبش هراس دارد، حزبی که سیاستهای آن سرکوب توده های خورده بورژوازی خلقها و دهقانان را در دستور قرار می دهد، حزبی که از آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک توده ها اعتقادی ندارد، حزبی که سیاستهای عملی آن در خدمت سیستم سرمایه داری وابسته بوده است حزبی خورده بورژوازی با بورژوازی تمام شواهد نشان می دهد که حزب جمهوری اسلامی، حزب بورژوازیست و تضاد آن با "لیبرالها" از نوع تضادهای درون طبقاتیست. حال باید تفاوت کرد که آیا ما پیش در اموریکه خود را بجای واقعیات موجود گذاشته ایم یا شمایه توجیه تسلیم طلبی خود پرداخته ایم.



اجتماعی و سیاسی خود و حکومت بر توده های مردم و بارهاشی از بحران برگزینند، آنقدر بدیهست که ما معجب می کنیم که چگونه شما بخود جسرات داده اید آنرا نمی کنید و از ما سؤال کنید که چگونه می بیند دو جناح بورژوازی میتواند اختلاف در تاکتیک وجود داشته باشد و با اینکه چون این دو جناح تاکتیک متفاوت را بر کار می گیرند پس تاکتیکهای آنها تاکتیکهای دو طبقه است. باید شما موخت که نه تنها جناحهای بورژوازی بلکه یک جناح از آن نیز با توجه به وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی جامعه، با توجه به موقعیت توده ها و وظیفه حاکم تاکتیکهای متفاوتی را بر کار می گیرند. از آنجائیکه این اصطلاح استفاده نقد کودکانه است که حتی کسی که تازه الفبای مارکسیسم را آموخته باشد به آسانی به پی پایه بودن آن پی می برد. ما به بحث مفصل در این باره نمی پردازیم. آیا با تمام این اوصاف باز هم "کمیته مرکزی میخواهد تضاد "لیبرالها" و حزب جمهوری اسلامی" را از دو پایگاه طبقاتی رزبایی کند برای روشن تر شدن مسئله بهتر است به سیاستهای عملی، براتیک روزمره این حزب بپردازیم تا کاملاً روشن شود که سیاستهای حزب جمهوری اسلامی در خدمت منافع کدام طبقه بوده است. لنین می نویسد "برای اینکه بتوانیم به هیئت مبارزه حزبی پی برده باشیم گفتار را با وجود داشت بلکه باید